



اینگلیتد
یرتتین

www.EnglishPersian.ir

گرامر

پایه پیشرفته





مقدمه

“Think Global, Study English”

Study English with the rest of the world at EP. Your future starts now...

بعد از گذشت نزدیک به یک سال از فعالیت صفحه اینستگرام (EP) EnglishPersian تصمیم گرفتیم تا کامل ترین مقاله ارائه شده در زمینه ی گرامر و نکات گرامری زبان شیرین انگلیسی را برای شما همراهان عزیز تهیه کنیم. نزدیک به ۴ ماه برای جزوه ای که اکنون در دست شماست تلاش کرده ایم و سرانجام در اردیبهشت ۹۳ نگارش این مقاله به پایان رسید. این جزوه علاوه بر گرامر زبان انگلیسی (از پایه تا پیشرفت) شامل ۲۰ صفحه ضمیمه رایگان در مورد کلمات کاربردی (useful vocabulary) و ضرب المثل های انگلیسی (English proverbs) می باشد. امیدواریم حداکثر استفاده را از مطالب موجود در این مقاله داشته باشید.

ارادتمند شما مجموعه (EP) EnglishPersian

تهیه شده در اردیبهشت ۹۳



فهرست

❖ فصل اول: فعل

- فعل چیست؟ ۷
- تقسیم بندی فعل ۱: Active Voice and Passive Voice ۷
- Active voice ۷
- Passive voice ۸
- تقسیم بندی فعل ۲: کمکی (Helping Verbs) و اصلی (Main Verbs) ۹
- افعال کمکی (Helping Verbs) ۱۰
- افعال کمکی اولیه (Primary Helping Verbs) ۱۰
- افعال کمکی کیفی (Modal Helping Verbs) ۱۱
- افعال اصلی (Main Verbs) ۱۳
- افعال حرکتی و وضعیتی (Dynamic and Stative Verbs)
- افعال باقاعده و بی قاعده (Regular and irregular verbs)
- افعال پیوندی (Linking Verbs)
- افعال متعدی (Transitive) و لازم (Intransitive)
- لیست افعال با قاعده ۱۴
- لیست افعال بی قاعده ۲۰

❖ فصل دوم: شرط

- شرط ها (Conditionals) ۲۲
- اولین شرط (First Conditional) ۲۲
- دومین شرط (Second Conditional) ۲۳
- سومین شرط (Third Conditional) ۲۴
- شرط صفر (Conditional Zero) ۲۵
- خلاصه شرط ها ۲۵

❖ فصل سوم: سؤال

- ساختار اصلی سؤال (Basic Question Structure) ۲۶
- انواع اصلی سؤال (Basic Question Types) ۲۶

❖ فصل چهارم: going to

- قصد (Intention) ۲۸
- پیش بینی (Prediction) ۲۸
- زمان حال استمراری برای برنامه ریزی (Present continuous for plan) ۲۸
- زمان حال ساده برای زمان بندی (Present Simple for schedule) ۲۹
- خلاصه ۲۹

❖ فصل پنجم: افعال اسمی

- افعال اسمی (Gerunds) ۳۰



افعال اسمی به عنوان فاعل، شیء و یا تکمیل کننده

- ۳۰ (Gerunds as Subject, Object or Complement)
 ۳۰ (Gerunds after Prepositions) افعال اسمی پس از حروف اضافه
 ۳۱ (Gerunds after certain verbs) افعال اسمی پس از افعال اصلی
 ۳۲ (Gerunds in Passive sense) افعال اسمی در حالت تأثیر پذیری

❖ فصل ششم: افعال چند کلمه ای

- ۳۳ (Phrasal Verbs) افعال چند کلمه ای (به لفظ عامه افعال عبارتی)
 ۳۳ (Phrasal Verbs) افعال عبارتی
 ۳۴ (Separable Phrasal Verbs) افعال عبارتی جدا شدنی
 ۳۵ (Prepositional Verbs) افعال اضافی
 ۳۵ (Prepositional Verbs-Phrasal) افعال اضافی - عبارتی

❖ فصل هفتم: زمان ها

گذشته (past)

- ۳۷ (Continuous Tense Past) زمان گذشته استمراری
 • ساختار زمان گذشته استمراری
 • چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم
 ۳۹ (Past Perfect Continuous Tense) زمان گذشته حال کامل استمراری
 • ساختار زمان گذشته حال کامل استمراری
 • چگونه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده کنیم
 ۴۱ (Past Perfect Tense) زمان گذشته کامل
 • ساختار زمان گذشته کامل
 • چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم
 ۴۲ (Simple Past Tense) زمان گذشته ساده
 • ساختار زمان گذشته ساده
 • چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم

حال (present)

- ۴۶ (Present Continuous Tens) زمان حال استمراری
 • ساختار زمان حال استمراری
 • چه وقت و چرا باید از زمان حال استمراری استفاده کنیم
 • افعال *sing* دار را در زمان حال استمراری چگونه (Spell) کنیم
 ۴۸ (Perfect Continuous Tense Present) زمان حال کامل استمراری
 • ساختار اصلی زمان حال کامل استمراری
 • چطور از زمان حال کامل استمراری استفاده کنیم
 ۵۱ (Present Perfect Tense) زمان حال کامل



- ساختار زمان حال کامل ۵۱
- کی و چرا از زمان حال کامل استفاده کنیم ۵۲
- Since و For در زمان حال کامل و تفاوت‌های آنها ۵۳
- زمان حال ساده (Simple Present Tense) ۵۴
- چطور از زمان حال ساده استفاده کنیم ۵۴
- ساختار اصلی زمان حال ساده ۵۵
- آینده (future)
- زمان آینده استمراری (Future Continuous Tense) ۵۷
- ساختار زمان آینده استمراری ۵۷
- چگونه از زمان آینده استمراری استفاده کنیم ۵۸
- زمان آینده کامل استمراری (Future Perfect Continuous Tense) ۵۸
- ساختار زمان آینده کامل استمراری ۵۸
- چطور از زمان آینده کامل استمراری استفاده کنیم ۵۹
- زمان آینده کامل (Future Perfect Tense) ۶۰
- ساختار زمان آینده کامل ۶۰
- چطور از زمان آینده کامل استفاده کنیم ۶۰
- زمان آینده ساده (Simple Future Tense) ۶۱
- ساختار زمان آینده ساده ۶۱
- چگونه از زمان آینده ساده استفاده کنیم ۶۲
- ❖ فصل هشتم: اسم
- اسم‌ها ۶۴
- اسم‌ها چه هستند ۶۴
- پایان اسم‌ها (Noun Endings) ۶۴
- محل قرار گیری اسم‌ها (Position in Sentence) ۶۴
- وظیفه اسم‌ها (Functions) ۶۵
- اسم‌های شمارا و غیر قابل شمارا (Countable Nouns, Uncountable Nouns) ۶۵
- اسم‌های شمارا ۶۵
- اسم‌های غیر قابل شمارا ۶۶
- اسم‌هایی که می‌توانند هم شمارا و هم غیر قابل شمارا باشند ۶۷
- اسم‌های مشخص (Proper Nouns) ۶۷
- به کارگیری حروف بزرگ برای اسم‌های مشخص ۶۸
- اسم‌های مشخص بدون The ۶۸
- اسم‌های مشخص با The ۷۰
- ملکی یا مضاف الیه (حالتی که تعلق داشتن به شخص یا چیزی را می‌رساند) (Possessive 's) ۷۱
- ملکی یا مضاف الیه کردن اسم‌های مشخص (نام‌ها) ۷۲
- ملکی یا مضاف الیه کردن اسم‌های جمع بی‌قائده ۷۲



❖ فصل نهم: صفت

- صفت ها (Adjectives) ۷۳
- صفات اشاره یا محدود کننده (Determiners) ۷۳
- حروف تعریف A ، An و یا The ۷۳
 - Each و Every ۷۴
 - Any و Some ۷۵
- ترتیب صفات (Adjective orders) ۷۶
- صفت قبل از اسم (Adjective before nouns) ۷۶
 - صفت بعد از فعل (verbs Adjective after certain) ۷۷
- صفات مقایسه ای (Comparative Adjectives) ۷۷
- ساخت صفت مقایسه ای ۷۸
 - طرز به کارگیری صفات مقایسه ای ۷۸
- صفات برتر (Superlative Adjectives) ۷۹
- طریقه ساخت صفت برتر ۷۹
 - طرز استفاده از صفات برتر ۸۰

❖ فصل دهم: ضمیر

- ضمیرها (Pronouns) ۸۲
- ضمیرهای شخصی (Personal Pronouns) ۸۲

❖ فصل یازدهم: حروف اضافه

- لیست حروف اضافه ۸۴

❖ فصل دوازدهم: معنی فعل ها در زمان های استمراری

- معنی فعل ها در زمان های استمراری ۸۵
- افعالی که در زمانهای استمراری به کار برده نمی شوند ۸۵
- افعالی با دو معنای مختلف ۸۵
- فعل be و زمان های استمراری ۸۶

❖ ضمیمه

- کلمات کاربردی (useful vocabulary) ۸۸
- ضرب المثل های انگلیسی (English proverbs) ۱۰۲



فصل اول: فعل

فعل چیست:

فعل مهمترین بخش در زبان انگلیسی می باشد، حتی کوتاهترین جملات دارای فعل هستند. شما می توانید یک جمله یک کلمه ای به کمک فعل بسازید مثل: **Stop!**

برخی از افعال انجام کاری را می رسانند که به آنها **Action word** می گوئیم. مانند: **run** ، **fight** و **work** برخی دیگر چنین نیستند و معمولا وضعیت و یا وجود چیزی را می رسانند که به آنها **State word** میگوئیم. مانند: **be** ، **exist** ، **seem** ، **belong** ،

یک فعل همیشه دارای فاعل است (کننده کار) مثال: **John speaks English.** در اینجا **John** فاعل (**subject**) و **speaks** فعل می باشد. بنابراین می توانیم بگوئیم که افعال کلماتی هستند که به ما می گویند فاعل چه می کند و یا چه هست:

Action: Renaldo plays football.

State: Owen seems kind.

نکته ای که در مورد فعل ها وجود دارد این است که افعال بر خلاف دیگر کلمات (صفات ، قید ها ، حروف اضافه و ...) شکل های مختلفی دارند اگر چه که اسم ها نیز دارای دو نوع مفرد و جمع (همراه **S**) می باشند. مثلا فعل **to work** (کار کردن) دارای پنج شکل است:

to work , work , worked , works , working

تقسیم بندی فعل ۱

Active Voice and Passive Voice:

دو شکل خاص از فعلها وجود دارد که به آن **voice** می گوئیم:

• **Active voice**

• **Passive voice**

Active Voice

در اغلب موارد ما از **active voice** استفاده می کنیم و بیانگر این است که فاعل (**subject**) عملی را بر روی شیء یا مفعول (**object**) انجام می دهد، به عنوان مثال:

Cat eats fish.

Cat: Subject or Active object.

Eats: Verb

Fish: Passive object

در اینجا گربه (فاعل) عمل خوردن را بر روی ماهی (شیء) انجام می دهد.

در **Passive voice** این فاعل است که تحت تأثیر شیء قرار گرفته و عمل فعل را از شیء می گیرد. به عنوان مثال:

Fish are eaten by cats.

Fish: Subject or Active object

are :Auxiliary Verb

eaten :main verb (past participle)



معمولا برای معرفی شیء مفعول از این کلمه استفاده میکنیم by
cat :Passive object or Active subject

نکته: Active object شیء است که جمله به خاطر آن ساخته می شود.

Passive voice

ساختار Passive voice بسیار ساده میباشد:

Subject +Auxiliary verb (be) + main verb (past participle)

در ساختار فوق منظور از auxiliary verb همان helping verb می باشد.
یاد آوری:

هنگامی که فعل be در غالب فعل کمکی به کار می رود (می دانید که فعل be فعل اصلی نیز می باشد) دو هدف داریم:

1- make continuous tense

2- make the passive

فارسی:

۱. کمک به فعل اصلی برای نشان دادن تداوم و پیوستگی عمل

۲. کمک به فعل اصلی برای نشان دادن تأثیر پذیری آن

چند مثال:

subject	auxiliary verb (to be)	main verb (past participle)	
Water	is	drunk	by everyone.
100 people	are	employed	by this company.
I	am	paid	in euro.
We	are	not paid	in dollars.
Are	they	paid	in yen?

چه موقع از Passive voice استفاده کنیم:

• هنگامی که می خواهیم Active object یا همان Subject را مهم جلوه دهیم.

• هنگامی که Passive object را نمی شناسیم.

مثال:

	subject	verb	object
در اینجا میخواهیم Active Object یا President Kennedy را مهم نشان دهیم.	President Kennedy	was killed	by Lee Harvey Oswald.
ما Passive object را نمیشناسیم.	My wallet	has been stolen.	?



نکته:

همانطور که گفتیم معمولا برای معرفی Passive object یا شیء مفعول از لغت by استفاده می کنیم به جمله زیر توجه کنید:

He was killed with a gun.

چرا در این جمله از by استفاده نکردیم؟

به این دلیل که در اینجا gun نقش Passive object یا همان Active subject را ایفا نمی کند چرا که این تفنگ نبوده که او را کشته بلکه تفنگ توسط شخص دیگری به کار برده شده است. در اصل می شود:

He was killed by somebody with a gun.

صرف Passive voice:

infinitive		to be washed
simple	present	It is washed.
	past	It was washed.
	future	It will be washed.
	conditional	It would be washed.
continuous	present	It is being washed.
	past	It was being washed.
	future	It will be being washed.
	conditional	It would be being washed.
perfect simple	present	It has been washed.
	past	It had been washed.
	future	It will have been washed.
	conditional	It would have been washed.
perfect continuous	present	It has been being washed.
	past	It had been being washed.
	future	It will have been being washed.
	conditional	It would have been being washed.

تقسیم بندی فعل ۲

کمکی (Helping Verbs) اصلی و (Main Verbs)

فعل ها به دو دسته عمده تقسیم می شوند:

افعال کمکی (Helping Verbs)

افعال اصلی (Main verbs)

افعال کمکی:

فرض کنید یک نفر وارد اتاق شما شده و می گوید:

I can .

People must .

The Earth will .



آیا شما چیزی متوجه شدید؟ آیا این شخص توانست با شما ارتباط خوبی برقرار کند؟ قطعاً خیر. دلیلش این است که این افعال کمکی هستند و به خودی خود معنایی ندارند. این افعال در ساختار یک جمله نقش مهمی را ایفا می کنند ولی خود به تنهایی چیزی را به ما نمی رسانند. معمولاً افعال کمکی همراه با افعال اصلی به کار می روند و به افعال اصلی کمک می کنند. بنابراین جملاتی که در مثال بالا مشاهده کردید همگی ناقص هستند و برای کامل شدن به یک فعل کمکی نیاز دارند. در کل تقریباً حدود ۱۵ فعل کمکی در زبان انگلیسی وجود دارد.

افعال اصلی:

حال فرض کنید که همان شخص مجدداً وارد اتاق شما شده و بگوید:

I teach .

People eat .

The Earth rotates .

آیا این بار چیزی متوجه شدید؟ آیا این شخص توانست با شما به خوبی ارتباط برقرار کند؟ احتمالاً بلی ولی نه زیاد. دلیلش این است که این افعال اصلی بوده و به تنهایی معنا و مفهومی را نمی رسانند. البته که هزاران فعل اصلی داریم. در زیر مثال هایی از جملات را مشاهده می کنید. توجه داشته باشید که همه جملات دارای فعل اصلی هستند، اما برخی از آنها فعل کمکی نیز دارند.

	helping verb		main verb	
John			likes	coffee.
You			lied	to me.
They			are	happy.
The children	are		playing.	
We	must		go	now.
I	do	not	want	any.

افعال کمکی (Helping Verbs):

افعال کمکی به خودی خود معنایی ندارند ولی وجود آنها در ساختار جمله ضروری است. معمولاً افعال کمکی را همراه با افعال اصلی به کار می بریم تا به افعال اصلی کمک کنند. در کل حدود ۱۵ فعل کمکی وجود دارد که ما آنها را به دو دسته تقسیم می کنیم:

افعال کمکی اولیه (Primary Helping Verbs)

۱. be همان (am, is, are)

to make continuous tense برای ایجاد زمان فعل به صورت پیوسته مانند:

He is watching TV. (یعنی به فعل اصلی watching کمک می کند که به طور پیوسته و در حال انجام

جلوه کند)

to make the passive برای نشان دادن تأثیر پذیری یا کنش پذیری:

Small fishes are eaten by big fishes.



۲. Have:

to make perfect tenses برای ایجاد زمان فعل به صورت کامل شده:
I have finished my homework. (یعنی به فعل اصلی finished کمک می کند تا به صورت عمل تمام شده جلوه کند)

۳. Do

to make negatives برای منفی کردن: I don't like you

to make questions برای سوال پرسیدن: Do you want some coffee?

to show emphasis برای نشان دادن تاکید: I do want you to pass your exam

to stand for main verbs in some constructions برای پشتیبانی از فعل اصلی در برخی جملات:

He speaks faster than she does.

افعال کمکی کیفی (Modal Helping Verbs)

از افعال کمکی کیفی استفاده می کنیم تا بتوانیم به نوعی در کیفیت و معنای افعال اصلی جمله تغییر ایجاد کنیم. این افعال به گونه ای لزوم و یا امکان داشتن را به معنای فعل اصلی اضافه می کنند:

can, could

may, might

will, would

shall, should

must

ought to

مثال:

I can't speak Chinese.

John may arrive late.

Would you like a cup of coffee?

You should see a doctor.

I really must go now.

نکته: به افعال زیر توجه کنید

need

dare

used to

به این افعال، افعال نیمه کمکی کیفی (semi-modal verbs) نیز می گویند چون گاهی شبیه افعال کمکی کیفی عمل کرده و گاهی مانند افعال اصلی.

• از فعل کمکی کیفی Can چه هنگام استفاده می کنیم:

برای صحبت در مورد توانایی و امکان داشتن چیزی.

درخواست کردن.

درخواست اجازه و یا اجازه دادن.



ساختار کلی:

Subject + can + main verb

مثال برای صحبت در مورد توانایی و امکان داشتن:

She can drive a car.

مثال برای درخواست کردن:

Can you put the TV on.

Can you be quiet!

مثال برای درخواست اجازه و یا اجازه دادن:

Can I smoke in this room ?
you can smoke in the room.

از فعل کمکی کیفی **Could** چه هنگام استفاده می کنیم:
صحبت در مورد توانایی و یا امکان داشتن چیزی در گذشته.
درخواست کردن.
ساختار کلی:

Subject + could + main verb

مثال برای صحبت در مورد توانایی و یا امکان داشتن چیزی در گذشته:

I could swim when I was 5 years old.
My grandmother could speak seven languages.
Could you understand what he was saying?

مثال برای درخواست کردن:

نکته: معمولاً از **could** جهت درخواست از کسی برای انجام کاری استفاده می شود. که مؤدبانه تر از **can** است.

Could you tell me where the bank is, Please?
Could you send me a catalogue, please?

از فعل اصلی **Have to** چه موقع استفاده کنیم: (التزام شهودی)
هنگامی که می خواهیم ضرورت چیزی را نشان بدهیم از این فعل استفاده می کنیم.
مثال:

Children have to go to school.
In France, you have to drive on the right.

ساختار کلی:

subject + auxiliary verb + have + infinitive (with to)

مثالی دیگر:

I do not have to see a doctor.
I have to see a doctor.
I do have to see a doctor.

تنها فرق جمله دوم با سوم این است که جمله سوم تأکید بیشتر برای دیدن دکتر دارد.



از فعل کمکی **Must** چه موقع استفاده کنیم: (التزام ذهنی)
منظور از التزام ذهنی این است که انجام عمل به نظر گوینده لازم و ضروری است ولی در حالتی که از **Have to** استفاده می کردیم یک التزام کلی و برای همه بود.
ساختار کلی:

subject + must + main verb

چند مثال:

You must visit us soon.
I must call my mother tomorrow.

• چه هنگام از **Must not** یا **Mustn't** استفاده کنیم:
برای نشان دادن ممنوعیت چیزی از این فعل کمکی استفاده می کنیم.
ساختار کلی:

subject + must not + main verb

مثال:

Passengers must not talk to the driver.
Policeman mustn't drink on duty.
Visitors must not smoke. (present)
I mustn't forget Tara's Birthday. (future)
I couldn't park outside the parking.
We were not allowed to enter.

افعال اصلی (Main Verbs):

افعال اصلی خود به تنهایی رساننده معنا و مفهومی هستند (بر خلاف افعال کمکی). هزاران فعل اصلی در زبان انگلیسی وجود دارد که می توان آنها را به طرق مختلفی دسته بندی کرد:
۱. افعال متعدی (Transitive) و لازم (Intransitive):

افعال متعدی مستقیماً با یک شیء سر و کار دارند ولی افعال لازم اینگونه نیستند. بسیاری از افعال نیز هستند بسته به جمله ای که در آن به کار می روند لازم و یا متعدی هستند مثل **speak**
مثال:

Transitive:

I saw an elephant.
We are watching TV.
He speaks English.

همان طور که مشاهده می کنید معمولاً افعال متعدی به یک اسم و یا بهتر بگوییم به یک شیء اشاره می کنند که اگر نباشند فعل ناتمام می ماند مثلاً در مثال اول اگر **an elephant** را برداریم می شود: **I saw**، این سوال پیش می آید که چه چیزی را دیدم؟ این مورد را با افعال کمکی اشتباه نگیرید چرا که فعل **see** یک فعل کامل می باشد به طور مثال: **I see** یعنی من میبینم. ولی شما به هیچ وجه نمی توانید با استفاده از افعال کمکی یک جمله کامل بسازید.



2) Intransitive:

He has arrived.

John goes to school.

She speaks fast.

در مثال John goes to school چنین به نظر می رسد که goes متعددی است چرا که به school اشاره میکند ولی توجه داشته باشید که چنانچه to school را بردایم یعنی: John goes باز هم جمله کامل است. پس فعل goes یک فعل لازم خواهد بود.

افعال پیوندی (Linking Verbs):

افعال پیوندی به تنهایی معنایی ندارند و بین فاعل و آنچه که درباره فاعل می گوید پیوند برقرار میکنند. افعال پیوندی معمولاً نشان دهنده مساوی بودن، تغییر وضعیت و یا تغییر مکان هستند.
مثال:

Mary is a Teacher. (Mary =Teacher)

Tara is beautiful. (Tara =Beautiful)

The sky became dark (Sky > dark)

۳. افعال حرکتی و وضعیتی (Dynamic and Stative Verbs):

برخی از افعال یک عمل و یا کاری را می رسانند که به آنها افعال حرکتی می گوییم. این افعال می توانند با continuous tense بکار روند. افعال وضعیتی بیشتر نمایانگر وضعیتند تا عمل و یا حرکت. این افعال معمولاً نمی توانند با continuous tense بکار روند، مگر در چند حالت خاص که با تغییر در معنا نیز همراه خواهد بود.

چند مثال از افعال حرکتی: run, fight, hit.

چند مثال از افعال وضعیتی: like, love, impress, hear, appear.

۴. افعال باقاعده و بی قاعده (Regular and irregular verbs):

تنها فرق بین افعال با قاعده و بی قاعده اینست که در افعال با قاعده برای زمان گذشته (past tense) و اسم مفعول (past participle) با "ed" ختم می شوند ولی افعال بی قاعده در این دو حالت شکل به خصوصی نداشته و متغیرند.

لیست افعال با قاعده (Regular Verbs):

در زبان انگلیسی هزاران فعل وجود دارد که در زیر ۶۰۰ فعل پر کاربرد را مشاهده می کنید:

- | | | | |
|----------|-------------|--------------|-----------|
| • accept | • allow | • applaud | • attach |
| • add | • amuse | • appreciate | • attack |
| • admire | • analyze | • approve | • attempt |
| • admit | • announce | • argue | • attend |
| • advise | • annoy | • arrange | • attract |
| • afford | • answer | • arrest | • avoid |
| • agree | • apologize | • arrive | |
| • alert | • appear | • ask | |



- back
- bake
- balance
- ban
- bang
- bare
- bat
- bathe
- battle
- beam
- beg
- behave
- belong
- bleach
- bless
- blind
- blink
- blot
- blush
- boast
- boil
- bolt
- bomb
- book
- bore
- borrow
- bounce
- bow
- box
- brake
- brake
- branch
- breathe
- bruise
- brush
- bubble
- bump
- burn
- bury
- buzz

-
- calculate
 - call
 - camp
 - care
 - carry
 - carve
 - cause
 - challenge
 - change
 - charge
 - chase
 - cheat
 - check
 - cheer
 - chew
 - choke
 - chop
 - claim
 - clap
 - clean
 - clear
 - clip
 - close
 - coach
 - coil
 - collect
 - colour
 - comb
 - command
 - compare
 - compete
 - complain
 - complete
 - concentrate
 - concern
 - confess
 - confuse
 - connect
 - consider
 - consist
 - contain
 - continue
 - copy
 - correct
 - cough
 - count
 - cover
 - crack
 - crash
 - crawl
 - cross
 - crush
 - cry
 - cure
 - curl
 - curve
 - cycle

-
- dam
 - damage
 - dance
 - dare
 - deliver
 - depend
 - describe
 - desert
 - disapprove
 - disarm
 - discover
 - dislike
 - dress
 - drip
 - drop
 - drown



- decay
- deceive
- decide
- decorate
- delay
- delight
- deserve
- destroy
- detect
- develop
- disagree
- disappear
- divide
- double
- doubt
- drag
- drain
- dream
- drum
- dry
- dust

-
- earn
 - educate
 - embarrass
 - employ
 - empty
 - encourage
 - end
 - enjoy
 - enter
 - entertain
 - escape
 - examine
 - excite
 - excuse
 - exercise
 - exist
 - expand
 - expect
 - explain
 - explode
 - extend

-
- face
 - fade
 - fail
 - fancy
 - fasten
 - fax
 - fear
 - fence
 - fetch
 - file
 - fill
 - film
 - fire
 - fit
 - fix
 - flap
 - flash
 - float
 - flood
 - flow
 - flower
 - fold
 - follow
 - fool
 - force
 - form
 - found
 - frame
 - frighten
 - fry

-
- gather
 - gaze
 - glow
 - glue
 - grab
 - grate
 - grease
 - greet
 - grin
 - grip
 - groan
 - guarantee
 - guard
 - guess
 - guide

-
- hammer
 - hand
 - handle
 - hang
 - happen
 - harass
 - harm
 - hate
 - haunt
 - head
 - heal
 - heap
 - heat
 - help
 - hook
 - hop
 - hope
 - hover
 - hug
 - hum
 - hunt
 - hurry



- identify
- ignore
- imagine
- impress
- improve
- include
- increase
- influence
- inform
- inject
- injure
- instruct
- intend
- interest
- interfere
- interrupt
- introduce
- invent
- invite
- irritate
- itch

-
- jail
 - jam
 - jog
 - join
 - joke
 - judge
 - juggle
 - jump

-
- kick
 - kill
 - kiss
 - kneel
 - knit
 - knock
 - knot

-
- label
 - land
 - Last
 - laugh
 - launch
 - learn
 - level
 - license
 - lick
 - lie
 - lighten
 - like
 - list
 - listen
 - live
 - load
 - lock
 - long
 - look
 - love

-
- man
 - manage
 - march
 - mark
 - marry
 - match
 - mate
 - matter
 - measure
 - meddle
 - melt
 - memorize
 - mend
 - mess up
 - milk
 - mine
 - miss
 - mix
 - moan
 - moor
 - mourn
 - move
 - muddle
 - mug
 - multiply
 - murder

-
- nail
 - name
 - need
 - nest
 - nod
 - note
 - notice
 - number

-
- obey
 - object
 - observe
 - obtain
 - occur
 - offend
 - offer
 - open
 - order
 - overflow
 - owe
 - own



- pack
 - paddle
 - paint
 - park
 - part
 - pass
 - paste
 - pat
 - pause
 - peck
 - pedal
 - peel
 - peep
 - perform
 - permit
 - phone
 - pick
 - pinch
 - pine
 - place
 - plan
 - plant
 - play
 - please
 - plug
 - point
 - poke
 - polish
 - pop
 - possess
 - post
 - pour
 - practice
 - pray
 - preach
 - precede
 - prefer
 - prepare
 - present
 - preserve
 - press
 - pretend
 - prevent
 - prick
 - print
 - produce
 - program
 - promise
 - protect
 - provide
 - pull
 - pump
 - punch
 - puncture
 - punish
 - push
-
- question
 - queue
-
- race
 - radiate
 - rain
 - raise
 - reach
 - realize
 - receive
 - recognize
 - record
 - reduce
 - reflect
 - refuse
 - regret
 - reign
 - reject
 - rejoice
 - relax
 - release
 - rely
 - remain
 - remember
 - remind
 - remove
 - repair
 - repeat
 - replace
 - reply
 - report
 - reproduce
 - request
 - rescue
 - retire
 - return
 - rhyme
 - rinse
 - risk
 - rob
 - rock
 - roll
 - rot
 - rub
 - ruin
 - rule
 - rush
-
- sack
 - sail
 - satisfy
 - save
 - shiver
 - shock
 - shop
 - shrug
 - soothe
 - sound
 - spare
 - spark
 - stop
 - store
 - strap
 - strengthen



- saw
- scare
- scatter
- scold
- sigh
- sign
- signal
- sin
- sparkle
- spell
- spill
- spoil
- stretch
- strip
- stroke
- stuff

- scorch
- scrape
- scratch
- scream
- screw
- scribble
- scrub
- seal
- search
- separate
- serve
- settle
- shade
- share
- shave
- shelter
- sip
- ski
- skip
- slap
- slip
- slow
- smash
- smell
- smile
- smoke
- snatch
- sneeze
- sniff
- snore
- snow
- soak
- spot
- spray
- sprout
- squash
- squeak
- squeal
- squeeze
- stain
- stamp
- stare
- start
- stay
- steer
- step
- stir
- stitch
- subtract
- succeed
- suck
- suffer
- suggest
- suit
- supply
- support
- suppose
- surprise
- surround
- suspect
- suspend
- switch

- talk
- tame
- tap
- taste
- tease
- telephone
- tempt
- terrify
- test
- thank
- thaw
- tick
- tickle
- tie
- time
- tip
- tire
- touch
- tour
- tow
- trace
- trade
- train
- transport
- trap
- travel
- treat
- tremble
- trick
- trip
- trot
- trouble
- trust
- try
- tug
- tumble
- turn
- twist
- type



- undress
- unite
- unpack
- use
- unfasten
- unlock
- untidy

- vanish
- visit

- wail
- waste
- whirl
- work
- wait
- watch
- whisper
- worry
- walk
- water
- whistle
- wrap
- wander
- wave
- wink
- wreck
- want
- weigh
- wipe
- wrestle
- warm
- welcome
- wish
- wriggle
- warn
- whine
- wobble
- wash
- whip
- wonder

• x-ray

• yawn

• yell

• zip

• zoom

لیست افعال بی قاعده (Irregular Verbs):

تعداد افعال بی قاعده نیز زیاد است که در زیر پر کاربرد ترین آنها را مشاهده می کنید:

Base Form	Past Simple	Past Participle	Base Form	Past Simple	Past Participle
awake	awoke	awoken	hurt	hurt	hurt
be	was, were	been	keep	kept	kept
beat	beat	beaten	know	knew	known
become	became	become	lay	laid	laid
begin	began	begun	lead	led	led
bend	bent	bent	learn	learnt	learnt
bet	bet	bet	leave	left	left
bid	bid	bid	lend	lent	lent
bite	bit	bitten	let	let	let
blow	blew	blown	lie	lay	Lain
break	broke	broken	lose	lost	lost
bring	brought	brought	make	made	made
broadcast	broadcast	broadcast	mean	meant	meant



build	built	built	meet	met	met
burn	burnt	burnt	pay	paid	paid
buy	bought	bought	put	put	put
catch	caught	caught	read	read	read
choose	chose	chosen	ride	rode	ridden
come	came	come	ring	rang	rung
cost	cost	cost	rise	rose	risen
cut	cut	cut	run	run	run
dig	dug	dug	say	said	said
do	did	done	see	saw	seen
draw	drew	drawn	sell	sold	sold
dream	dreamt	dreamt	send	sent	sent
drive	drove	driven	show	showed	shown
drink	drank	drunk	shut	shut	shut
eat	ate	eaten	sing	sang	sung
fall	fell	fallen	sit	sat	sat
feel	felt	felt	sleep	slept	slept
fight	fought	fought	speak	spoke	spoken
find	found	found	spend	spent	spent
fly	flew	flown	stand	stood	stood
forget	forgot	forgotten	swim	swam	swum
forgive	forgave	forgiven	take	took	taken
freeze	froze	frozen	teach	taught	taught
get	got	gotten	tear	tore	torn
give	gave	given	tell	told	told
go	went	gone	think	thought	thought
grow	grew	grown	throw	threw	thrown
hang	hung	hung	understand	understood	understood
have	had	had	wake	woke	woken
hear	heard	heard	wear	wore	worn
hide	hid	hidden	win	won	won
hit	hit	hit	write	wrote	written
hold	held	held			



فصل دوم: شرط

شرط ها (Conditionals):

در زبان انگلیسی چندین ساختار وجود دارد که به آنها شرطی می گوئیم.
شرط (Condition) یعنی موقعیت یا چگونگی بدین معنا که اگر وضعیت خاصی رخ بدهد آنگاه نتیجه خاصی در پی خواهد داشت.

if $y = 10$ then $2y = 20$

در زبان انگلیسی سه شرط پایه وجود دارد که اغلب از آنها استفاده می کنیم.
ساختار شرطها:

ساختار اغلب شرطها بسیار ساده می باشد. دو حالت کلی وجود دارد که البته به این دو حالت میتوانیم کلمات زیادی اضافه کنیم و یا در زمان های مختلفی بکار ببندیم ولی ساختار اصلی آنها بدین گونه است:

IF	condition	result
IF	$y = 10$	$2y = 20$

یا بدین گونه

result	IF	condition
$2y = 20$	IF	$y = 10$

اولین شرط (First Conditional):

به اولین شرط "امکان واقعی" یا "Real Possibility" نیز می گویند.
در این حالت ما درباره آینده صحبت می کنیم. ما به یک وضعیت یا موقعیتی خاص در آینده و نتیجه آن فکر می کنیم.
به نظر شما چرا به آن Real Possibility نیز می گویند؟
زیرا در واقعیت امکان آن وجود دارد که وضعیت خاصی که به آن می اندیشیم رخ دهد.
فرض کنید اکنون صبح است. شما در خانه خود نشستید. برای خود برنامه ریزی کرده اید که بعد از ظهر تنیس بازی کنید. ولی هوا ابری است. احتمال می دهید که باران ببارد. شما چه می کنید؟

IF	condition	result
	present simple	WILL + base verb
If	it rains	I will stay at home.

توجه داشته باشید که ما داریم در مورد آینده فکر می کنیم و هنوز بارانی نباریده است. ولی هوا ابریست و فکر می کنند که امکان دارد باران ببارد. همان طور که در جدول فوق می بینید برای نتیجه وضعیت ما از will و فعل در حالت پایه استفاده می کنیم.

به مثال های بیشتری توجه کنید:



IF	condition	result
	present simple	WILL +base verb
If	I see Mary	I will tell her.
If	Tara is free tomorrow	he will invite her.
If	they do not pass their exam	their teacher will be sad.
If	it rains tomorrow	will you stay at home?
If	it rains tomorrow	what will you do?

مثال های جدول فوق را به گونه ای دیگر نیز می توان بیان کرد:

result	IF	condition
WILL +base verb		present simple
I will tell Mary	if	I see her.
He will invite Tara	if	she is free tomorrow.
Their teacher will be sad	if	they do not pass their exam.
Will you stay at home	if	it rains tomorrow?
What will you do	if	it rains tomorrow?

نکته: گاهی اوقات به جای Will از کلماتی چون Can ، Shall و یا may نیز استفاده می کنیم:

If you are good today, you can watch TV tonight.

دومین شرط (Second Conditional):

به این شرط "امکان غیر واقعی" یا "Unreal Possibility" می گویند.

دومین شرط از جهاتی شبیه به اولین شرط است، ما هنوز به آینده می اندیشیم.

ما به یک وضعیت یا موقعیتی خاص در آینده و نتیجه آن فکر می کنیم.

به نظر شما چرا به آن Unreal Possibility نیز می گویند؟

زیرا در واقعیت امکان رخ دادن وضعیتی که به آن می اندیشیم وجود ندارد، مگر تحت شرایطی خاص.

فرض کنید که شما بلیط Lottery (یک نوع بخت آزمایی) را ندارید. آیا امکان برنده شدن شما در بخت آزمایی وجود

دارد؟ به هیچ وجه . ولی شاید شما در آینده یک بلیط Lottery تهیه کنید. پس شما میتوانید به برنده شدن در آینده فکر

کنید، درست مثل یک رویا. واقعی نیست ولی امکان پذیر است.

همان گونه که در جدول فوق می بینید برای بیان وضعیت از زمان گذشته ساده استفاده می کنیم و در قسمت نتیجه نیز

به جای will از would.

چند مثال دیگر در دو حالت مختلف:

IF	condition	result
	past simple	WOULD +base verb
If	I won the lottery	I would buy a car.



نکته: گاهی اوقات به جای Would از کلماتی چون: Could, Should و Might استفاده می کنیم.

If I won a million dollars, I could stop working .

سومین شرط (Third Conditional):

به این شرط "غیر ممکن" یا "no Possibility" می گویند. اولین و دومین شرط در مورد آینده بودند ولی سومین شرط مربوط به گذشته می شود. ما به موقعیتی در گذشته فکر می کنیم که رخ نداده است.

به نظر شما چرا به آن no Possibility می گویند؟ زیرا موقعیتی که به آن فکر می کنیم در گذشته رخ نداده و دیگر وقت آن گذشته است. شما هفته پیش یک بلیط Lottery (بخت آزمایی) خریداری کردید ولی برنده نشدید.

	condition	result
	Past Perfect	WOULD HAVE +Past Participle
If	I had won the lottery	I would have bought a car.

نکته: گاهی اوقات به جای Would Have از Could Have, Should Have و Might Have نیز میتوان استفاده کرد.

If you had bought a Lottery, you might have won .

به چند مثال توجه کنید:

IF	condition	result
	past simple	WOULD +base verb
If	I married Mary	I would be happy.
If	Ram became rich	she would marry him.
If	it snowed next July	would you be surprised?
If	it snowed next July	what would you do?

result	IF	condition
WOULD +base verb		past simple
I would be happy	if	I married Mary.
She would marry Ram	if	he became rich.
Would you be surprised	if	it snowed next July?
What would you do	if	it snowed next July?



شرط صفر (Conditional Zero):

وقتی از شرط صفر استفاده می کنیم که نتیجه وضعیت همیشه صحیح و درست باشد، مثل یک حقیقت علمی. مقداری یخ بردارید. آنها در ماهی تابه انداخته و ماهی تابه را داغ کنید. چه اتفاقی می افتد؟ یخ ذوب شده و آب می شود. اگر چنین نمی شد شما تعجب می کردید:

IF	condition	result
	present simple	present simple
If	you heat ice	it melts.

نکته ای که در مورد شرط صفر هائز اهمیت است این است که هر وضعیتی نتیجه خودش را دارد و لاغیر. تذکر: به جای **if** می توانید از **When** نیز استفاده کنید.

When I get up late, I miss my bus .

به مثال های زیر توجه کنید:

IF	condition	result
	present simple	present simple
If	I miss the 8 o'clock bus	I am late for work.
If	I am late for work	my boss gets angry.
If	people don't eat	they get hungry.
If	you heat ice	does it melt?

result	IF	condition
present simple	if	present simple
I am late for work	if	I miss the 8 o'clock bus.
My boss gets angry	if	I am late for work.
People get hungry	if	they don't eat.
Does ice melt	if	you heat it?

خلاصه شرطها:

در زیر نموداری را مشاهده می کنید که در تجسم شرطها به شما کمک می کند.

probability	conditional	example	time
100%	zero conditional	If you heat ice, it melts.	any time
50%	first conditional	If it rains, I will stay at home.	future
10%	second conditional	If I won the lottery, I would buy a car.	future
0%	third conditional	If I had won the lottery, I would have bought a car.	past



فصل سوم: سوال

ساختار اصلی سؤال (Basic Question Structure):

ساختار اصلی سؤال در انگلیسی بسیار ساده است:

auxiliary verb + subject + main verb

auxiliary verb	subject	main verb	
Do	you	like	Mary?
Are	they	playing	football?
Will	Anthony	go	to Tokyo?
Have	you	seen	ET?

یک استثناء:

برای فعل be در زمان حال ساده و گذشته ساده نیازی به افعال کمکی نیست.

Statement:	He	is	German.
Question:	Is	he	German?

انواع اصلی سؤال (Basic Question Types):

سه نوع سوال اصلی داریم:

- سوال های بلی خیر (Yes/No Questions) سوال هایی که جوابشان فقط بلی و خیر است.
- سوال های کلمه سوال (Question Word Questions) سوال هایی که جواب آنها یکسری اطلاعات است.
- سوال های انتخابی (Choice Questions) سوال هایی که جوابشان در خود سوال هست.

1. Yes/No Questions

auxiliary verb	subject	main verb		Answer Yes or No
Do	you	want	dinner?	Yes, I do.
Can	you	drive?		No, I can't.
Has	she	finished	her work?	Yes, she has.
Did	they	go	home?	No, they didn't.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)				
	Is	Anne	French?	Yes, she is.
	Was	Ram	at home?	No, he wasn't.

2. Question Word Questions



question word	auxiliary verb	subject	main verb		Answer Information
Where	do	you	live?		In Paris.
When	will	we	have	lunch?	At 1pm.
Who	did	she	meet?		She met Ram.
Why	hasn't	Tara	done	it?	Because she can't.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)					
Where		is	Bombay?		In India.
How		was	she?		Very well.

3. Choice Questions

auxiliary verb	subject	main verb		OR		Answer In the question
Do	you	want	tea	or	coffee?	Coffee, please.
Will	we	meet	John	or	James?	John.
Did	she	go	to London	or	New York?	She went to London.
استثناء! زمان حال ساده و زمان گذشته ساده (به فعل کمکی نیازی نیست)						
	Is	your car	white	or	black?	It's black.
	Were	they	\$15	or	\$50?	\$15.



فصل چهارم: going to

قصد (Intention):

از ساختار **Going to** هنگامی استفاده می کنیم که حتی قبل از صحبت در مورد آن قصد انجامش را داشته باشیم.

به مثال های زیر توجه کنید:

I have won \$1,000, I'm going to buy a new TV.

When are you going to go on holiday.

پیش بینی (Prediction):

گاهی اوقات از **Going to** استفاده می کنیم تا در مورد آینده پیش بینی داشته باشیم و در مورد چیزی صحبت می کنیم که احتمال رخداد آن زیاد است. به چند مثال توجه کنید:

The sky is very black, it is going to snow.

It's 8:30! You're going to miss the train.

از **Will** نیز برای پیش بینی استفاده می کنیم ولی در مواردی که مدرکی برای اثبات آن نداریم.

It will rain tomorrow.

فرض کنید ما این جمله را در حالی گفته ایم که هیچ گونه ابری در آسمان نبوده و هوا آفتابیست. پس برای این پیش بینی مدرکی نداریم، ولی چنانچه هوا ابری باشد می توانیم بگوییم:

It's going to rain tomorrow.

زمان حال استمراری برای برنامه ریزی (Present continuous for plan):

ما اغلب برای صحبت درباره آینده از زمان حال استمراری استفاده می کنیم. البته که در اصل ما از زمان حال استمراری در مواقعی استفاده می کنیم که عملی در حال انجام باشد ولی چنانچه از کلمات آینده (**Future words**) نیز استفاده کنیم، خواهیم توانست در مورد آینده نیز صحبت کنیم. منظور از کلمات آینده لغات و یا عباراتی نظیر **next, tomorrow, week** یا **In June** می باشد. کلمات آینده را از روی مفهوم آنها می توان تشخیص داد.

نکته: گاهی اوقات بین قصد (**going to**) و برنامه ریزی (**plan**) تفاوتی احساس نمی شود در این گونه موارد فرقی نمی کند که از جمله ای با **going to** استفاده کنیم یا از حال استمراری:

We're going to paint the bedroom tomorrow.

We're painting the bedroom tomorrow.

توجه داشته باشید هنگامی که از حال استمراری برای بیان آینده استفاده می کنید احتمال رخدادن چیزی که در موردش صحبت می کنیم بیشتر است، در واقع یک برنامه ریزی صحیح شده و احتمال لغو برنامه ای که با حال استمراری بیان می شود تقریباً ۹۰ درصد است حال آنکه زمانی که از **going to** استفاده می کنیم این احتمال به ۷۰ درصد می رسد.

Mary is taking her music exam next year.

They can't play tennis with you tomorrow, They're working.

We're going to the theatre on Friday.



زمان حال ساده برای زمان بندی (Present Simple for schedule):

اغلب برای بیان آینده هنگامی که یک واقعه قرار است اتفاق بیفتد (مثلا در یک جدول زمان بندی) از حال ساده استفاده می کنیم. احتمال رخدادن: تقریبا ۱۰۰ درصد.
به مثال های زیر توجه کنید:

The train leaves New York at 9pm tonight.
Tomorrow is Thursday.

خلاصه:

صحبت کردن و به کار بردن جملات در انگلیسی خیلی بیشتر از آنچه که به نظر می رسند مهم هستند. به عنوان مثال هنگامی می خواهیم در مورد آینده صحبت کنیم، جمله ای که به کار می بریم "دید" ما را نسبت به آینده نشان می دهد، گاهی حتی احساسات شخصی ما را. در جدول زیر به طور تقریبی احتمال رخداد هر یک از ساختارهای ذکر شده را ملاحظه می کنید. این جدول به شما کمک می کند که بهتر در مورد مفهوم آینده فکر کنید:

مثال	هنگام استفاده	ساختار	احتمال رخداد واقعه قبل از صحبت در مورد آن به درصد
Don't get up .I'll answer the phone.	no plan	will	0%
We're going to watch TV tonight.	intention	going to	70%
I'm taking my exam in June.	plan	حال استمراری	% 90
My plane takes off at 6.00am tomorrow.	schedule	حال ساده	% 99.999



فصل پنجم: افعال اسمی

افعال اسمی (Gerunds):

وقتی یک فعل با "ing" ختم می شود، آن فعل یا فعل اسمی است و یا present participle (زمان حال، فرمی از فعل که مانند صفت عمل می کند).
هنگامی که از فعل ing دار شبیه به اسم استفاده کنیم معمولا Gerunds خواهد بود:

Fishing is fun .

هنگامی که از فعل ing دار شبیه به فعل و یا صفت استفاده کنیم، معمولا present participle است.

Anthony is Fishing .

I have a boring teacher .

در این درس نگاهی خواهیم داشت به روشهای مختلفی که از Gerund ها استفاده می کنیم.

افعال اسمی به عنوان فاعل، شیء و یا تکمیل کننده

(Gerunds as Subject, Object or Complement):

مانند هر اسمی افعال اسمی نیز می توانند فاعل، شیء و یا تکمیل کننده جمله باشند:

Smoking costs a lot of money.

I don't like writing.

My favorite occupation is reading.

و همانند فعل می تواند خودش یک شیء داشته باشد. در این حالت تمام عبارت [Object + Gerund] می تواند فاعل، شیء و یا تکمیل کننده جمله باشد:

Smoking cigarettes costs a lot of money.

I don't like writing letters.

My favorite occupation is reading detective stories.

همانند یک اسم می تواند adjective (وابسته - صفت) های خود را داشته باشند:

The settling of debts.

His drinking of alcohol.

Pointless questioning.

A settling of debts (not settling debts.)

Making "Titanic " was expensive.

The making of "Titanic" was expensive.

افعال اسمی پس از حروف اضافه

(Gerunds after Prepositions):

اگر بخواهیم فعلی را بعد از یک حرف اضافه بکار ببریم، باید به شکل Gerund باشد و غیر از این ناممکن است.

I will call you after arriving at the office.

Please, have a drink before leaving.

I am looking forward to meeting you.

Do you object to working late?



Tara always dreams about going on holiday.

توجه داشته باشید که شما می توانید به جای تمامی افعال اسمی فوق از اسم واقعی استفاده کنید:

I will call you after arriving at the office.

Please have a drink before leaving.

I am looking forward to meeting you.

Do you object to working late?

Tara always dreams about going on holiday.

در به کار بردن Gerunds پس از حروف اضافه هیچ حالت خاصی وجود ندارد، پس چرا در مثال زیر پس از to یکبار drive و بار دیگر driving آمده است؟

I am used to driving on the left .

I used to drive on the left .

جواب این است که در حالت اول to یک حرف اضافه است ولی در مثال دوم to drive به عنوان مصدر و ریشه به کار رفته است و to بیانگر حرف اضافه نیست.

افعال اسمی پس از افعال اصلی

(Gerunds after certain verbs)

گاهی اوقات یک فعل را بعد از یک فعل دیگر به کار می بریم. در این حالت فعل دوم معمولا به شکل ریشه استفاده می شود:

I want to eat.

ولی بعضی وقتها فعل دوم باید فعل اسمی باشد:

I dislike eating .

این موضوع به فعل اولی بستگی دارد. در زیر لیستی از افعال را می بینید که فعل بعد از آنها معمولا در غالب Gerunds می باشد:

admit, appreciate, avoid, carry on, consider, defer, delay, deny, detest, dislike, endure, enjoy, escape, excuse, face, feel like, finish, forgive, give up, can't help, imagine, involve, leave off, mention, mind, miss, postpone, practice, put off, report, resent, risk, can't stand, suggest, understand .

به مثال های زیر توجه کنید:

She is considering having a holiday.

Do you feel like going out?

I can't stand not seeing you.

برخی افعال هستند که چندان فرقی نمی کند که به چه شکلی به کار روند:

I like to play tennis.

I like playing tennis.

It started to rain.

It started raining.



افعال اسمی در حالت تأثیر پذیری

(Gerunds in Passive sense)

اغلب اوقات پس از افعال need، want و require از Gerund استفاده می کنیم که در این حالت فعل اسمی حالت تأثیر پذیری را نشان می دهد:

I have three pants that need washing (needs to be washed).

This letter requires signing (needs to be signed).

The house wants repainting (needs to be repainted).

نکته: عبارت Something wants doing یک عبارت انگلیسی بریتانیایی می باشد. میدانیم پس از want معمولا مصدر را می نویسیم.





فصل ششم: افعال چند کلمه ای

افعال چند کلمه ای (به لفظ عامه افعال عبارتی)

:(Phrasal Verbs)

افعال عبارتی بخشی از گروه بزرگی از افعال به نام "افعال چند کلمه ای" می باشند. به کار گیری افعال چند کلمه ای به خصوص در مکالمه بسیار رایج می باشد. مانند: pick up ، turn on و یا get on with. بسیاری از مردم برای راحتی به تمامی انواع افعال چند کلمه ای Phrasal Verbs (افعال عبارتی) می گویند که شامل یک فعل اصلی به همراه یک و یا چند لغت دیگر است. لغاتی که همراه با فعل اصلی می آیند می توانند قید و یا حرف اضافه باشند.

نکته ای که باید به آن توجه داشت این است که Phrasal verbs یا افعال عبارتی همچنان یک فعل هستند. get یک فعل است، get up نیز یک فعل می باشد، که در معنا با هم متفاوتند. پس به افعال عبارتی نیز باید به چشم یک فعل جداگانه، با معنای جداگانه نگریست. همانطور که در مثال زیر ملاحظه می کنید، سه نوع فعل عبارتی داریم:

افعال چند کلمه ای	فعل یک کلمه ای	look	direct your eyes in a certain direction	You must look before you leap.
	prepositional verbs افعال اضافی	look after	take care of	Who is looking after the baby?
	phrasal verbs افعال عبارتی	look up	search for and find information in a reference book	You can look up my number in the telephone directory.
	phrasal-prepositional verbs عبارتی - افعال اضافی	look forward to	anticipate with pleasure	I look forward to meeting you.

در این درس نگاهی خواهیم داشت به انواع افعال چند کلمه ای

افعال عبارتی (Phrasal Verbs):

ساختار اصلی افعال عبارتی به شکل زیر است:

Verb + Adverb

افعال عبارتی هم می توانند لازم و هم متعدی باشند.

به چند مثال از افعال عبارتی توجه کنید:



	Phrasal verbs	meaning	examples	
				direct object
intransitive phrasal verbs	get up	rise from bed	I don't like to get up.	
	break down	cease to function	He was late because his car broke down.	
transitive phrasal verbs	put off	postpone	We will have to put off	the meeting.
	turn down	refuse	They turned down	my offer.

افعال عبارتی جداشدنی (Separable Phrasal Verbs):

هنگامی که افعال عبارتی متعدی هستند (یک شیء دارند) معمولاً می‌توانیم دو قسمت فعل عبارتی را از هم جدا کنیم.
مثال:

They turn down my offer.

They turn my offer down.

هر دو جمله فوق صحیح بوده و معنای مشابهی دارند.

نکته: هنگامی که در افعال عبارتی متعدی شیء، ضمیر باشد چاره‌ای به جز جدا کردن فعل عبارتی نداریم.

direct object pronouns must go between the two parts of transitive phrasal verbs	John	switched		on.	the radio.	These are all possible.
	John	switched	the radio	on.		
	John	switched	it	on.		
	John	switched		on.	it.	This is not possible.

نکته: از آنجایی برخی از افعال عبارتی جدا پذیرند و برخی دیگر اینگونه نیستند. چگونه به این موضوع پی ببریم؟
در صورتی که یک فعل عبارتی مانند look up جدا پذیر باشد آن را به این شکل خواهید دید:

look (something) up

پیشنهاد: هنگامی که در حال یادگیری فعل عبارتی جدیدی هستید مانند put off بهتر است آن را به شکل زیر یادداشت کنید:

put off (something\somebody)



افعال اضافی (Prepositional Verbs):

ساختار اصلی افعال اضافی:

Prepositional+Verb

چون حروف اضافه همیشه دارای یک شیء هستند، تمامی افعال اضافی نیز شیء مستقیمی خواهند داشت. به مثال های زیر توجه کنید:

prepositional verbs	meaning	examples	
			direct object
believe in	have faith in the existence of	I believe in	God.
look after	take care of	He is looking after	the dog.
talk about	discuss	Did you talk about	me?
wait for	await	John is waiting for	Mary.

اینگونه افعال (prepositional verbs) جدا شدنی نیستند.

افعال اضافی جدائی ناپذیرند	Who is looking after the baby?	This is possible.
	Who is looking the baby after?	This is not possible.

پیشنهاد: هنگامی که فعل اضافی جدید را یاد می گیرید بهتر است آن را به شکل زیر یادداشت کنید:

مثال: believe in (something/somebody)

این کار به شما کمک می کند که به خاطر داشته باشید فعلی که یاد گرفته اید نیاز به یک شیء داشته و البته جای آن نیز مشخص است.

افعال اضافی - عبارتی (Phrasal-Prepositional Verbs):

ساختار کلی:

verb + preposition + Adverb

به مثال های زیر توجه کنید:

phrasal-prepositional verbs	meaning	examples	
			direct object
get on with	have a friendly relationship with	He doesn't get on with	his wife.
put up with	tolerate	I won't put up with	your attitude.
look forward to	anticipate with pleasure	I look forward to	seeing you.
run out of	use up, exhaust	We have run out of	eggs.



از آنجایی که افعال اضافی - عبارتی همیشه با حروف اضافه ختم می شوند، این افعال نیز دارای یک شیء خواهند بود و مانند افعال prepositional (افعال اضافی)، افعال اضافی - عبارتی نیز جدائی ناپذیرند.

پیشنهاد: هنگامی که فعل اضافی - عبارتی جدید را یاد می گیرید بهتر است آن را به شکل زیر یادداشت کنید:
مثال: Get on with somebody و یا run out of something





فصل هفتم: زمان ها

زمان گذشته:	زمان حال:	زمان آینده:
گذشته ساده	حال ساده	آینده ساده
گذشته استمراری	حال استمراری	آینده استمراری
گذشته کامل	حال کامل	آینده کامل
گذشته کامل استمراری	حال کامل استمراری	آینده کامل استمراری

گذشته (past)

زمان گذشته استمراری (Past Continuous Tense):

- ساختار زمان گذشته استمراری:

Subject	+	auxiliary verb (BE)	+	main verb
		conjugated in simple past tense صرف فعل در زمان گذشته ساده		present participle
		was were		base + ing

در زمان گذشته استمراری برای استفاده از جملات منفی بین فعل کمکی و فعل اصلی not اضافه می کنیم. برای جملات سوالی نیز جای فاعل و فعل کمکی را عوض می نماییم. به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	was		watching	TV.
+	You	were		working	hard.
-	He, she, it	was	not	helping	Mary.
-	We	were	not	joking.	
?	Were	you		Being	silly?
?	Were	they		playing	football?

- چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم:

زمان گذشته استمراری، زمانی مشخص در گذشته را بیان می کند. عمل قبل از زمان مشخص شروع شده ولی در آن زمان ادامه داشته است. فرض کنید شما در یک روز فیلمی را از تلویزیون مشاهده کرده اید، که ساعت هفت بعد از ظهر شروع شده (7pm) و در ساعت نه بعد از ظهر (9pm) نیز تمام شده است:



At 8pm yesterday, I was watching TV.		
Past	present	future
8pm		
ساعت هشت بعد از ظهر مشغول تماشای فیلم بوده اید.		

هنگامی که از زمان گذشته استمراری استفاده می کنیم، معمولاً مخاطب ما می داند که ما درباره چه زمانی صحبت می کنیم:

- I was working at 10pm last night.
- They were not playing football at 9am this morning.
- What were you doing at 8pm last night.
- What were you doing when he arrived?
- She was cooking when I telephoned her.
- We were having dinner when it started to rain.
- Ram went home early because it was snowing.

نکته: برخی از افعال نمی توانند در زمانهای استمراری به کار روند.

معمولاً از زمان گذشته استمراری برای شرح صحنه از داستان (معمولاً به با جزئیات) استفاده می شود. شروع داستان نیز اغلب با گذشته استمراری شروع می شود. به مثال زیر توجه کنید:

" James Bond was driving through town. It was raining. The wind was blowing hard. Nobody was walking in the streets. Suddenly, Bond saw the killer in a telephone box..."

زمان گذشته استمراری + زمان گذشته ساده:

اغلب اوقات زمان گذشته استمراری را با زمان گذشته ساده به کار می بریم. از گذشته استمراری برای بیان عملی طولانی در گذشته و از زمان گذشته ساده برای بیان عملی کوتاه در گذشته که در حین عمل طولانی رخ داده استفاده می کنیم. این دو عمل را می توانیم با استفاده از **when** و **while** به یکدیگر مرتبط کنیم. در مثال زیر دو عمل داریم:

1. long action: watching TV (expressed with past continuous tense).
2. short action: telephoned (expressed with simple past tense).

past	present	future
عمل طولانی		
I was watching TV at 8pm. 8pm		
You telephoned at 8pm.		
عمل کوتاه		



این دو عمل را می توانیم با به کار بردن when به هم مرتبط کنیم:

I was watching TV when you telephoned.

(دقت داشته باشید که در اینجا when به نوعی به زمان نیز اشاره میکند. یعنی زمانی که زنگ زدی که همیشه ۸ صبح)

طرز استفاده از when و while:

when + short action (simple past tense).

while + long action (past continuous tense).

در کل به چهار روش می توانیم از when و while استفاده کنیم که در زیر مشاهده می کنید:

	I was walking past the car	when	it exploded.
When	the car exploded		I was walking past it.
	The car exploded	while	I was walking past it.
While	I was walking past the car		it exploded.

توجه کنید که short action و long action به هم وابسته اند:

Watching TV چند ساعت طول می کشد، Telephoned، چند ثانیه به طول می انجامد.

Walking past the car، چند ثانیه طول می کشد، Exploded، چند هزارم ثانیه به طول خواهد کشید.

زمان گذشته حال کامل استمراری (Past Perfect Continuous Tense):

• ساختار زمان گذشته حال کامل استمراری:

subject	+	auxiliary verb HAVE	+	auxiliary verb BE	+	main verb
		conjugated in simple past tense		past participle		present participle
		had		been		base + ing

برای ساخت جملات منفی در این زمان بعد از فعل کمکی اول not را اضافه کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیست جای فاعل و فعل کمکی اول را عوض کنیم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	had		been	working.	
+	You	had		been	playing	tennis.
-	It	had	not	been	working	well.
-	We	had	not	been	expecting	her.
?	Had	you		been	drinking?	
?	Had	they		been	waiting	long?



هنگامی که در مکالمه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده می کنیم معمولا فاعل و فعل کمکی اول را به شکل خلاصه شده به کار می بریم.

I had been	I'd been
you had been	you'd been
he had	he'd been
she had been	she'd been
it had been	it'd been
we had been	we'd been
they had been	they'd been

• چگونه از زمان گذشته کامل استمراری استفاده کنیم:

زمان گذشته کامل استمراری شبیه به زمان گذشته کامل است با این تفاوت که بیانگر اعمال طولانی تری در گذشته نسبت به عملی دیگر در گذشته می باشد. به عنوان مثال:

Ram started waiting at 9am. I arrived at 11am. When I arrived, Ram had been waiting for two hours.

waiting at 9am. I arrived at 11am. When I arrived, Ram had been waiting for two hours.

Ram had been waiting for two hours when I arrived.		
past	present	future
Ram starts waiting in past at 9am.		
9 11		
I arrive in past at 11am.		

در زیر چند مثال دیگر را مشاهده میکنید:

John was very tired. He had been running.

I could smell cigarettes. Somebody had been smoking.

Had the pilot been drinking before the crash?

به نوعی می توان زمان گذشته کامل استمراری را مانند زمان حال کامل استمراری دانست با این تفاوت که عمل در گذشته اتفاق افتاده. به مثال زیر توجه کنید:

فرض کنید شما در ساعت ۱۱ دوست خود Ram را ملاقات کرده اید. رم به شما می گوید:

I am angry. I have been waiting for two hours.

فردا ی آن روز شما به دوستان خود می گوئید:

Ram was angry. He had been waiting for two hours.



زمان گذشته کامل (Past Perfect Tense):

• ساختار زمان گذشته کامل:

ساختار این زمان به شکل زیر می باشد:

subject	+	auxiliary verb HAVE	+	main verb
		conjugated in simple past tense		past participle
		had		V3

برای ساختن جمله منفی در زمان گذشته کامل بین فعل کمکی had و فعل اصلی، not اضافه می کنیم و برای ساخت جملات سوالی کافیسست جای فعل کمکی و فاعل را عوض نماییم. به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	had		finished	my work.
+	You	had		stopped	before me.
-	She	had	not	gone	to school.
-	We	had	not	left.	
?	Had	you		arrived?	
?	Had	they		eaten	dinner?

هنگامی که از زمان گذشته کامل صحبت می کنیم معمولا فعل کمکی و فاعل را خلاصه می نماییم:

I had	I'd
you had	you'd
he had	he'd
she had	she'd
it had	it'd
we had	we'd
they had	they'd

نکته اینکه شکل خلاصه 'd هم علاوه بر had برای فعل کمکی would نیز به کار می رود. به طور مثال we'd هم می تواند had We باشد و هم We would و معمولا از روی فعل اصلی است که به این نکته پی می بریم:

We had arrived. (past participle)

We would arrive. (base)



چطور می توانیم از این زمان استفاده کنیم:

زمان گذشته کامل بیانگر عملی در گذشته قبل از عملی دیگر در گذشته می باشد. که به آن گذشته در گذشته (past in past) می گویند. به عنوان مثال:

The train left at 9am. We arrived at 9:15am. When we arrived, the train had left.

The train had left when we arrived.		
past	present	future
Train leaves in past at 9am.		
9 9.15		
We arrive in past at 9.15am.		

به مثال های زیر توجه کنید:

I wasn't hungry. I had just eaten.

They were hungry. They had not eaten for five hours.

I didn't know who he was. I had never seem him before.

Mary wasn't at home when I arrived. Really? where had she gone?

می توانید زمان گذشته کامل را مانند زمان حال کامل در نظر بگیرید با این تفاوت که به جای زمان حال گذشته است. مثالی می زنیم. فرض کنید شما ساعت ۹:۱۵ صبح به ایستگاه قطار رسیده اید. رئیس ایستگاه به شما می گوید:

You are too late. The train has left. (present perfect tense).

فردای آن روز شما به دوست خود می گویند:

We were too late. The train had left. (past perfect tense).

ما اغلب از زمان گذشته کامل برای مکالمات گزارشی (reported speech) بعد از افعالی چون:

told, said, asked, thought, wondered:

He told us that the train had left.

I thought, I had met her before. But I was wrong.

He explained that he had closed the window because of the rain.

I wondered if I had been there before.

I asked them why they had not finished.

زمان گذشته ساده (Simple Past Tense):

به این زمان Preterit نیز می گویند.

• ساختار زمان گذشته ساده: برای ساخت این زمان یا شکل گذشته فعل را می نویسیم و یا فعل کمکی did را به همراه فعل اصلی. در صفحه بعد مثالهایی را که همراه با افعال باقاعده و نیز بدون قاعده مشاهده می کنید:



	V1 base	V2 past	V3 past participle	
regular verb	work explode like	worked exploded liked	worked exploded liked	The past form for all regular verbs ends in -ed.
Irregular verb	go see sing	went saw sang	gone seen sung	The past form for irregular verbs is variable. You need to learn it by heart.
			You do not need the past participle form to make the simple past tense. It is shown here for completeness only.	

subject + main verb (base)

ساختار جملات مثبت در گذشته ساده:

subject + auxiliary verb (did) + not + main verb (base)

ساختار جملات منفی در گذشته ساده:

auxiliary verb (did) + subject + main verb (base)

ساختار جملات سؤالی در گذشته ساده:

فعل کمکی did صرفهای گوناگونی ندارد (is not conjugated) و برای همه اشخاص چه سوم شخص، چه اول شخص و ... همگی به صورت did به کار می رود.

به مثال های زیر با افعال اصلی go و work توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I			went	to school.
	You			worked	very hard.
-	She	did	not	go	with me.
	We	did	not	work	Yesterday.
?	Did	you		go	to London?
	Did	they		work	at home?



استثناء! یک استثناء برای فعل **to be** وجود دارد. ما فعل **be to** را بر خلاف فعل **did** که صرف نمی شد، صرف می کنیم. (we were, she/he/it, was, you were, I was). علاوه بر این هنگامی که فعل **to be** را به کار می بریم برای جملات منفی و سوالی از فعل کمکی **did** استفاده نمی کنیم، و تنها جای فعل و فاعل را با هم عوض می کنیم.

	subject	main verb		
+	I, he/she/it	was		here.
	You, we, they	were		in London.
-	I, he/she/it	was	not	there.
	You, we, they	were	not	happy.
?	Was	I, he/she/it		right?
	Were	you, we, they		late?

• چطور میتوانیم از این زمان استفاده کنیم:
از زمان گذشته ساده برای صحبت درباره ی یک وضعیت، حالت، عمل و یا واقعه ای در گذشته صحبت میکنیم. واقعه میتواند کوتاه مدت یا بلند مدت باشد.
در زیر چند مثال از وقایع کوتاه مدت را مشاهده می کنید:

The car exploded at 9.30am yesterday.		
She went to the door.		
We did not hear the telephone.		
Did you see that car?		
past	present	future
The action is in the past.		

در اینجا نیز چند مثال از وقایع بلند مدت را ملاحظه می کنید:

I lived in Bangkok for 10 years.		
The Jurassic period lasted about 62 million years.		
We did not sing at the concert.		
Did you watch TV last night?		
past	present	future
The action is in the past.		



دقت داشته باشید که اصلا مهم نیست که واقعه چند ثانیه بوده و یا چند میلیون سال، مهم این است که تمام شده. در زیر موارد استفاده از زمان گذشته ساده را مشاهده می کنید:
واقعه ای که در گذشته اتفاق افتاده.
رویدادی که به طور کامل تمام شده.
ما زمان و یا مکان رخ دادن واقعه را می دانیم (و یا می گوییم).
نکته: هنگامی که مکان و یا زمان رخداد را بیان می کنیم حتما و حتما باید از زمان گذشته ساده استفاده نماییم
و از هیچ زمان دیگری نمی توان استفاده کرد.
به مثال های زیر توجه کنید:

He didn't like the movie.

I lived in that house when I was young.

What did you eat for dinner?

John drove to London on Monday.

Mary did not go to work yesterday.

We were not late. (for the train).

Were you angry?

توجه داشته باشید که هنگامی که داستانی را تعریف می کنیم، معمولا زمان گذشته ساده را به کار می بریم البته گاهی اوقات برای بیان یک منظره (معمولا همراه با جزئیات) از زمان گذشته استمراری نیز استفاده می کنیم. ولی در بیشتر موارد زمان گذشته ساده را به کار می گیریم. به تکه داستان زیر توجه کنید:

"The wind was howling around the hotel [past continuous tense], and the rain was pouring down. The door opened and James Bond entered. He took out his coat, which was very wet and ordered a drink at the bar. He sat down at the corner of the lounge and quietly drank his..."

البته کاربرد های دیگری نیز از زمان گذشته ساده وجود دارد. به طور مثال در شرطها از این زمان برای اشاره به آینده استفاده میشود.



حال (present)

زمان حال استمراری (Present Continuous Tense):

در انگلیسی اغلب از زمان حال استمراری استفاده می کنیم. این زمان تفاوت‌های زیادی با زمان حال ساده دارد، چه در ساختار و چه در کاربرد.

نکته: به زمان حال استمراری (present continuous) زمان پیش رونده (progressive tense) نیز می گویند.

• ساختار زمان حال استمراری:

ساختار اصلی این زمان چنین است:

subject + auxiliary verb (be) + main verb (base + ing)

به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	am		speaking	to you.
+	You	are		reading	this.
-	She	is	not	staying	in London.
-	We	are	not	playing	football.
?	Is	he		watching	TV?
?	Are	they		waiting	for John?

• چه وقت و چرا باید از زمان حال استمراری استفاده کنیم:

ما از زمان حال استمراری برای صحبت درباره:

• عملی که اکنون در حال وقوع است.

• عملی در آینده.

صحبت میکنیم.

استفاده از زمان حال استمراری برای عملی که در حال وقوع است.

۱. برای عملی که دقیقا الان دارد اتفاق می افتد.

I am eating my lunch.		
past	present	future
	[REDACTED]	
	The action is happening now.	

به مثال های زیر توجه کنید:

...the pages are turning. ...the candle is burning. ...the numbers are spinning.

۲. برای عملی که پیرامون زمان حال در حال وقوع است (قدری از گذشته و آینده را هم دربر می گیرد) دقت کنید که عمل نباید همیشگی و یا در فواصلی معین تکرار شود.



John is going out with Mary.		
past	present	future
██████████	██████████	██████████
	The action is happening around now	

به مثال های زیر توجه کنید:

Muriel is learning to drive.

I am leaving with my sister, until I find an apartment.

استفاده از زمان حال استمراری برای عملی در آینده:

چنانچه به جمله خود (در زمان حال استمراری) یک کلمه آینده (future word) بیافزاییم می توانیم درباره آینده نیز صحبت کنیم. کلمات آینده را از روی مفهوم آنها تشخیص می دهیم، مانند: week ، in june ، tomorrow ، next

...

تنها زمانی از حال استمراری برای صحبت درباره آینده استفاده می کنیم که قبل از صحبت برنامه ریزی برای انجام آن عمل را کرده باشیم. (تصمیم گرفته و برنامه ریزی کرده ایم)

I am taking my exam next month.		
past	present	future
	!!!	██████████
	A firm plan or program exists now.	The action is in the future.

به مثال های زیر توجه کنید:

We're eating in the restaurant tonight. We've already booked the table.

They can play tennis with you tomorrow. They're not working.

When are you starting your new job?

در مثال هایی که ملاحظه کردید ما قبل از صحبت، یک برنامه ریزی دقیق (firm plan) داشتیم. تصمیم گیری و برنامه ریزی قبل از صحبت به وقوع پیوسته.

• **افعال ing دار را در زمان حال استمراری چگونه هجی (spell) کنیم:**

ساختن زمان حال استمراری که با افزودن **ing** به فعل همراه خواهد بود که معمولا این عمل به سادگی انجام می پذیرد. ولی در مواردی مجبوریم ساختار نوشتاری فعل را اندکی تغییر دهیم. بعضی اوقات باید حرف آخر فعل را دوبار بنویسیم و یا حتی برخی از حروف آن را حذف نماییم. در زیر قوانینی را مشاهده می کنید که به شما در هجی کردن زمان حال استمراری کمک می کنند:



قانون اصلی	افزودن ing به فعل پایه (مصدر)		
	work	-->	working
	play	-->	playing
	assist	-->	assisting
	see	-->	seeing
	be	-->	being
چنانچه فعل پایه (مصدر) با حرف بی صدا + حرف صدادار تأکیدی + حرف بی صدا تمام شود. حرف آخر را دوبار می نویسیم			
<p style="text-align: center;"> S t o p consonant stressed vowel[®] consonant (vowels = a, e, i, o, u) </p>			
استثناء اول	stop	-->	stopping
	run	-->	running
	begin	-->	beginning
	توجه داشته باشید که چنانچه سیلاب آخر فعل پایه تأکیدی نباشد این استثناء را شامل نمی شود.		
استثناء دوم	open	-->	opening
	در صورتی که فعل پایه به ie ختم شود به جای آن می نویسیم.		
	lie	-->	lying
استثناء سوم	die	-->	dying
	اگر فعل پایه به حرف صدادار + حرف بی صدا + e ختم شود، e را حذف می کنیم.		
	come	-->	coming
	mistake	-->	mistaking

زمان حال کامل استمراری (Perfect Continuous Tense Present):

• ساختار اصلی این زمان بدین شکل است:

subject + auxiliary verb (have, has) + auxiliary verb (been) + main verb (base + ing)

به مثال های زیر توجه کنید:



	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	have		been	waiting	for one hour.
+	You	have		been	talking	too much
-	It	has	not	been	raining.	
-	We	have	not	been	playing	football.
?	Have	you		been	seeing	her?
?	Have	they		been	doing	their homework?

خلاصه نویسی:

هنگامی که به زمان حال کامل استمراری صحبت می کنیم، اغلب فاعل و فعل کمکی اول را خلاصه تلفظ می کنیم، البته این کار را معمولا در نوشتن (غیر رسمی) نیز انجام می دهیم:

I have been	I've been
You have been	You've been
He has been	He's been
She has been	She's been
It has been	It's been
John has been	John's been
The car has been	The car's been
We have been	We've been
They have been	They've been

در زیر چند مثال را ملاحظه می کنید:

I've been reading.

You've been talking too much.

• چطور از زمان حال کامل استمراری استفاده کنیم:

این زمان معمولا ارتباطی با زمان حال دارد. به طور کلی این زمان دو کاربرد دارد:
۱. عملی که هم اکنون و یا اخیرا متوقف شده

(An action that has just stopped or recently stopped)

ما درباره عملی صحبت می کنیم که در گذشته شروع شده و به تازگی و یا همین حالا به اتمام رسیده:

I'm tired because I've been running.		
past	present	future
	!!!	
Recent action.	Result now.	



I'm tired [now], I've been running.
Why are the grasses wet [now]? Has it been raining?
You don't understand [now], because you haven't been listening.

۲. عملی که تا حالا ادامه پیدا کرده (An action continuing up to now) یا ما درباره عملی صحبت می کنیم که در گذشته شروع شده و هنوز نیز ادامه دارد، که معمولا با **for** و **since** بیان می شود.

I have been reading for 2 hours.		
past	present	future
Action started in past.	Action is continuing now.	

I've been reading for two hours. [I'm still reading now]
We've been studying since 9 o'clock. [We're still studying now]
How long have you been learning English? [You are still learning now]
We have not been smoking. [And we are not smoking now]

ما از **for** برای صحبت درباره بازه زمانی مثل: ۵ دقیقه، ۲ هفته و یا ۶ سال استفاده می کنیم. در حقیقت یک محدوده زمانی است.

از **since** برای صحبت درباره بازه زمان مثل: ساعت ۹، یکم جولای و یا روز دوشنبه استفاده می کنیم. درحقیقت یک نقطه شروع در گذشته است. (دقت بیشتری دارد)

for	since
a period of time	a point in past time
	x-----
20 minutes	6.15pm
three days	Monday
6 months	January
4 years	1994
2 centuries	1800
a long time	I left school
ever	the beginning of time
etc	etc



به مثال های زیر توجه کنید:

I have been studying for 3 hours.

I have been watching TV since 7pm.

Tara hasn't been feeling well for 2 weeks.

Tara hasn't been visiting us since march.

He has been playing football for a long time.

He has been living in New York since he left school.

معمولا for را در هر زمانی می توان به کار برد ولی since معمولا در زمانهای حال استفاده میشود.
نکته: به این زمان present perfect progressive نیز می گویند.

زمان حال کامل (Present Perfect Tense):

• ساختار زمان حال کامل:

ساختار اصلی این زمان بدین شکل است:

subject + auxiliary verb (have) + main verb (past participle)

به چند مثال از این زمان توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	have		seen	ET.
+	You	have		eaten	mine.
-	She	has	not	been	to Rome.
-	We	have	not	played	football.
?	Have	you		finished?	
?	Have	they		done	it?

خلاصه نویسی در زمان حال کامل:

هنگامی که در صحبت کردن از زمان حال کامل استفاده می کنیم، معمولا فاعل و فعل کمکی را در هم به نوعی ادغام و خلاصه می کنیم. این عمل را گاهی در نوشتن نیز انجام می دهیم:

I have	I've
You have	You've
He has	He's
She has	She's
It has	It's
John has	John's
The car has	The car's
We have	We've
They have	They've



نکته: توجه داشته باشید که شکل خلاصه 's هم برای فعل کمکی have و هم فعل be به کار می رود. به طور مثال It's eaten هم میتوان It has eaten و هم It is eaten باشد. این دو موضوع را باید از روی مفهوم فهمید.

• کی و چرا از زمان حال کامل استفاده کنیم:

در این زمان همیشه ارتباطی بین زمان گذشته و حال وجود دارد. به طور کلی زمان حال کامل سه کاربرد دارد:
تجربه (experience)
تغییر (change)

وضعیت پیوسته (در حال ادامه) (continuing situation)

۱. استفاده از زمان حال کامل برای تجربه:

ما اغلب از زمان حال کامل برای بیان تجربیاتی در گذشته استفاده می کنیم. ما نمی خواهیم زمان انجام کاری که کرده اید را بفهمیم تنها می خواهیم انجام و یا عدم انجام آن را بدانیم.

I have seen ET. He has lived in Bangkok. Have you been there? We have never eaten caviar.		
past	present	future
!!!		
عمل یا وضعیت در گذشته بوده The action or state was in the past	و از آن یک تصویر ذهنی دارم In my head, I have a memory now	

ارتباط با گذشته: عمل در گذشته اتفاق افتاده.

ارتباط با زمان حال: اکنون یک تصویر ذهنی از آن دارم. من چیزهایی در مورد آن رخداد میدانم. من تجربه کردم.

۲. استفاده از زمان حال کامل برای تغییر: از زمان حال کامل برای صحبت در باره تغییر و یا بیان اطلاعات جدید (که در

گذشته رخ داده ولی مخاطب از آن بی خبر است) نیز استفاده می کنیم. I have bought a car.		
past	present	future
-	+	
در هفته گذشته من ماشینی نداشتم	ولی الان ماشین دارم	

John has broken his leg.		
past	present	future
+	-	
دیروز پای جان خوب بود	ولی الان پایش شکسته	



Has the price gone up?		
past	present	future
+	-	
دیروز قیمت هزار تومن بود؟	امروز قیمت هزار و هفتصد تومنه؟	

The police have arrested the killer.		
Past	Present	future
+	-	
دیروز قاتل آزادانه در شهر قدم می زد	ولی الان در زندان است	

ارتباط با گذشته: گذشته با حال متفاوت است (تغییر کرده).
ارتباط با زمان حال: زمان حال نیز با گذشته متفاوت است (تغییر کرده).
نکته: آمریکایی ها به اندازه انگلیسی ها از این زمان استفاده نمی کنند و معمولا از زمان گذشته استفاده می کنند به عنوان مثال: یک آمریکایی معمولا می گوید: "Did you have lunch" ولی یک انگلیسی می گوید:

"Have you had lunch"

۳. استفاده از زمان حال کامل برای بیان وضعیت پیوسته:
این حالتی است که در گذشته شروع شده ولی در زمان حال نیز ادامه دارد (و احتمالا در آینده نیز ادامه خواهد داشت).
دقت کنید که یک حالت (state) است و عمل (action) نیست.
معمولا از For و Since با ساختار زیر استفاده می کنیم:

I have worked here since June. He has been ill for 2 days. How long have you known Tara?		
past	present	future
وضعیت و یا حالت در گذشته رخ داده	تا حالا ادامه پیدا کرده	امکان دارد در آینده نیز ادامه داشته باشد

ارتباط با گذشته: وضعیت و یا حالت در گذشته شروع شده
ارتباط با زمان حال: تا الان نیز ادامه پیدا کرده
For و since در زمان حال کامل و تفاوتی آنها:
ما اغلب از for و since در زمان حال کامل استفاده می کنیم.
ما از for برای صحبت درباره بازه زمانی مثل: ۵ دقیقه، ۲ هفته و یا ۶ سال استفاده می کنیم. در حقیقت یک محدوده زمانی است.



از since برای صحبت درباره بازه زمان مثل: ساعت ۹ ، یکم جولای و یا روز دوشنبه استفاده می کنیم. در حقیقت یک نقطه شروع در گذشته است. (دقت بیشتری دارد)

for	since
a period of time	a point in past time
██████████	x-----
20 minutes	6.15pm
three days	Monday
6 months	January
4 years	1994
2 centuries	1800
a long time	I left school
ever	the beginning of time
etc	etc

به مثال های زیر توجه کنید:

I have been here for 20 minutes.
I have been here since 9 o'clock.
John hasn't called for six months.
John hasn't called since February.

نکته: for را با هر زمانی میتوان به کار برد ولی since معمولا فقط با زمان های حال به کار میرود.

زمان حال ساده (Simple Present Tense):

• چطور از زمان حال ساده استفاده کنیم:

ما وقتی از زمان حال ساده استفاده می کنیم که:

جمله عمومی باشد (The action is general) مثل: I am not fat

عمل مورد نظر همیشه اتفاق می افتد و یا به طور همیشگی در زمان گذشته، حال و آینده.

عمل مورد نظر فقط در زمان جاری اتفاق نمی افتد (در آینده هم اتفاق خواهد افتاد)

عبارت همیشه درست باشد(مثل یک حقیقت علمی) مثل: The moon goes round the earth

John drives a taxi.		
past	present	future
██████████	██████████	██████████
It is John's job to drive a taxi. He does it every day. Past, present and future.		



• ساختار اصلی:

اصلی فعل + کمکی فعل + فاعل *** Subject + Auxiliary verb + Main verb

سه قانون مهم:

۱. برای جملات مثبت معمولا از افعال کمکی استفاده نمی کنیم.
۲. برای سوم شخص مفرد (she, it, he) به فعل کمکی es و یا به فعل اصلی s اضافه میکنیم.
۳. برای فعل to be ما از افعال کمکی استفاده نمی کنیم حتی برای جملات منفی و سوال.

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I, you, we, they			like	coffee.
	He, she, it			likes	coffee.
-	I, you, we, they	do	not	like	coffee.
	He, she, it	does	not	like	coffee.
?	Do	I, you, we, they		like	coffee?
	Does	he, she, it		like	coffee?

به مثال های که دارای فعل اصلی to be هستند توجه کنید، هیچ فعل کمکی وجود ندارد!

	subject	main verb		
+	I	am		French.
	You, we, they	are		French.
	He, she, it	is		French.
-	I	am	not	old.
	You, we, they	are	not	old.
	He, she, it	is	not	old.
?	Am	I		late?
	Are	you, we, they		late?
	Is	he, she, it		late?

به مثال های زیر توجه کنید:

- I live in New York.
- The moon goes round the earth.
- John drives a taxi.
- We do not work at night.
- Do you play football?



توجه داشته باشید که با فعل **to be** و با استفاده از زمان حال ساده می توانیم برای وضعیت هایی نیز استفاده کنیم که عمومی نیستند. به مثال های فعل **to be** در زمان حال ساده توجه کنید: برخی از آنها عمومی و برخی دیگر زمان حال هستند:

Am I right?		
Tara is not at home.		
You are happy.		
past	present	future
■		
وضعیت زمان حال است.		

I am not fat.		
Why are you so beautiful?		
Ram is tall.		
past	present	Future
■		
وضعیت عمومی است (حال ، گذشته و آینده)		

چند نکته:

۱. افعالی که به **z,ss,s,X,sh,ch** و یا **o** ختم می شوند باید به آخرشان **es** اضافه کرد. (البته برای سوم شخص مفرد):

She watches TV.

۲. اگر فعل به حرف **y** ختم بشود و قبل از **y** یک حرف بی صدا قرار بگیرد، برای سوم شخص های مفرد حرف **y** در انتهای فعل به **i** تبدیل شده و به آن **es** اضافه میکنیم.

He studies.

۳. در اینجا بحث بر این بود که از زمان حال ساده برای وضعیت های عمومی و گاهها زمان حال استفاده می شود. ولی کاربرد های دیگری نیز از زمان حال ساده وجود دارند، به طور مثال در شرطها با استفاده از زمان حال ساده به آینده اشاره می کنیم.



آینده (future)

زمان آینده استمراری (Future Continuous Tense):

• ساختار زمان آینده استمراری:

Subject	+	auxiliary verb WILL	+	auxiliary verb BE	+	main verb
		invariable		invariable		present participle
		will		be		base + ing

جهت ساخت جمله منفی، بین will و be یک not اضافه می کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیسست جای فاعل و will را عوض کنیم. به مثال های زیر توجه نمایید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	will		be	working	at 10am.
+	You	will		be	lying	on a beach tomorrow.
-	She	will	not	be	using	the car.
-	We	will	not	be	having	dinner at home.
?	Will	you		be	playing	football?
?	Will	they		be	watching	TV?

هنگامی که در مورد زمان آینده استمراری صحبت می کنیم اغلب فاعل و will را به طور اختصاری بیان می کنیم:

I will	I'll
you will	you'll
he will	he'll
she will	she'll
it will	it'll
we will	we'll
they will	they'll



I will not	I won't
you will not	you won't
he will not	he won't
she will not	she won't
it will not	it won't
we will not	we won't
they will not	they won't

برای جملات منفی will و not را به شکل won't مختصر می‌کنیم:

نکته: برخی مواقع از shall به جای will استفاده می‌کنیم. به خصوص برای I و we.
• چگونه از زمان آینده استمراری استفاده کنیم:

زمان آینده استمراری مبین عملی در لحظه ای مشخص در آینده می‌باشد. عمل، قبل از آن لحظه ای که در موردش صحبت می‌کنیم شروع شده ولی در آن لحظه خاتمه نیافته است. به مثال زیر توجه کنید:

Tomorrow I will start work at 2pm and stop work at 6pm.

At 4pm tomorrow, I will be working.		
past	present	future
		4pm
		At 4pm, I will be in the middle of working.

هنگامی که جمله ای را در زمان آینده استمراری بیان می‌کنیم معمولاً مخاطب ما میداند که ما در مورد چه زمانی در آینده صحبت می‌کنیم:

- I will be playing tennis at 10am tomorrow.
- They won't be watching TV at 9pm tonight.
- What will you be doing at 10 pm tonight?
- What will you be doing when I arrive? [tomorrow]?
- She will not be sleeping when you telephone her.
- We will be having dinner when the film starts.
- Take your umbrella, it will be raining when you return.

زمان آینده کامل استمراری (Future Perfect Continuous Tense):

• ساختار زمان آینده کامل استمراری:

subject	+	auxiliary verb WILL	+	auxiliary verb HAVE	+	auxiliary verb BE	+	main verb
		invariable		invariable		past participle		present participle
		will		have		been		base + ing



برای ساخت جملات منفی بین فعل کمکی will و have یک not اضافه کنیم. برای ساخت جملات سوالی نیز کافیت جای فاعل و will را عوض کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	auxiliary verb	main verb	
+	I	will		have	been	working	for four hours.
+	You	will		have	been	travelling	for two days.
-	She	will	not	have	been	using	the car.
-	We	will	not	have	been	waiting	long.
?	Will	you		have	been	playing	football?
?	Will	they		have	been	watching	TV?

هنگامی که جمله ای را به زمان آینده کامل استمراری بیان می کنیم اغلب فاعل و will را به طور خلاصه به کار می گیریم:

I will	I'll
you will	you'll
he will	he'll
she will	she'll
it will	it'll
we will	we'll
they will	they'll

برای مختصر سازی جملات منفی will و not را به شکل won't بکار می بریم:

I will not	I won't
you will not	you won't
he will not	he won't
she will not	she won't
it will not	it won't
we will not	we won't
they will not	they won't



• چطور از زمان آینده کامل استمراری استفاده کنیم:

از این زمان برای صحبت درباره عملی طولانی قبل از نقطه ای مشخص در آینده استفاده می کنیم. به مثالهای صفحه بعد توجه کنید:

I will have been working here for ten years next week.

He will be tired when he arrives. He will have been travelling for 24 hours.

زمان آینده کامل (Future Perfect Tense):

• ساختار زمان آینده کامل:

subject	+	auxiliary verb WILL	+	auxiliary verb HAVE	+	main verb
		invariable		invariable		past participle
		will		have		V3

به مثالهای زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		auxiliary verb	main verb	
+	I	will		have	finished	by 10am.
+	You	will		have	forgotten	me by then.
-	She	will	not	have	gone	to school.
-	We	will	not	have	left.	
?	Will	you		have	arrived?	
?	Will	they		have	received	it?

وقتی جمله ای را به زمان آینده کامل بیان میکنیم گاهی فاعل و will و برخی اوقات فاعل، will و have را خلاصه میکنیم:

I will have	I'll have	I'll've
you will have	you'll have	you'll've
he will have	he'll have	he'll've
she will have	she'll have	she'll've
it will have	it'll have	it'll've
we will have	we'll have	we'll've
they will have	they'll have	they'll've

نکته: گاهی اوقات shall را به جای will به کار میبریم. خصوصاً برای I و we.



• چطور از زمان آینده کامل استفاده کنیم:

زمان آینده کامل بیانگر عملی در آینده قبل از عملی دیگر در آینده است. که به آن گذشته در آینده نیز می گویند. به عنوان مثال:

The train will leave the station at 9am. You will arrive at the station at 9:15am.

So: When you arrive the train will have left.

The train will have left when you arrive.		
past	present	future
		Train leaves in future at 9am.
		9 9.15 ■ ■
		You arrive in future at 9.15am.

به مثال های زیر توجه کنید:

You can call me at work at 8am. I will have arrived at the office by 8am.

They will be tired when they arrive. They will not have slept for a long time.

"Marry won't be at home when you arrive". Really? Where will she have gone?

زمان آینده ساده (Simple Future Tense):

به زمان آینده ساده will نیز می گویند، چرا که این زمان را با استفاده از فعل کمکی will می سازیم.

• ساختار زمان آینده ساده:

ساختار این زمان به شکل زیر است:

subject	+	auxiliary verb WILL	+	main verb
		invariable		base
		will		V1

برای ساخت جملات منفی بین فعل کمکی و فعل اصلی not اضافه می کنیم. جهت ساخت جملات سوالی نیز کافیسست جای فاعل و فعل کمکی را عوض کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

	subject	auxiliary verb		main verb	
+	I	will		open	the door.
+	You	will		finish	before me.
-	She	will	not	be	at school tomorrow.
-	We	will	not	leave	yet.
?	Will	you		arrive	on time?
?	Will	they		want	dinner?



I will	I'll
you will	you'll
he will	he'll
she will	she'll
it will	it'll
we will	we'll
they will	they'll

هنگام به کاربردن این زمان غلب فاعل و فعل کمکی را به طور خلاصه به کار می بریم:

در جملات منفی **not** ، به جای فاعل و فعل کمکی، فعل کمکی را همراه با **not** خلاصه میکنیم. (همراه با تغییر شکل در **will**) به مثال های زیر توجه کنید:

I will not	I won't
you will not	you won't
he will not	he won't
she will not	she won't
it will not	it won't
we will not	we won't
they will not	they won't

• چگونه از زمان آینده ساده استفاده کنیم:

بدون برنامه (**No Plan**)

وقتی از زمان آینده ساده استفاده می کنیم که قبل از صحبت هیچ برنامه و یا تصمیمی در مورد عملی که می خواهیم آن را بیان کنیم وجود ندارد. بلکه تصمیم و یا برنامه برای انجام کار به طور ضمنی و خود به خود در هنگام صحبت در مورد آن عمل بوجود می آید.

Hold on, I'll get a pen.

I will see, What I can do to help you.

Maybe, we'll stay in and watch television tonight.

اغلب اوقات هنگام به کاربردن زمان آینده ساده فعل **to think** را نیز قبل از آن اضافه می کنیم.

I think I'll go to the gym (gymnasium) tomorrow.

I think I'll have a holiday next year.

I don't think I'll buy that car.

پیشگویی:

ما خیلی وقت ها از زمان آینده ساده برای پیشگویی امری در آینده استفاده می کنیم. در اینجا نیز هیچ برنامه (محکم) قبلی وجود ندارد و تنها آن چیزی را که فکر می کنیم اتفاق خواهد افتاد را بیان می کنیم. به چند مثال توجه کنید:

It will rain tomorrow.

People won't go to the Jupiter before 22nd Century.

Who do you think will get the job?



Be

هنگامی که فعل اصلی **be** باشد می توانیم از زمان آینده ساده حتی برای بیان تصمیمات و برنامه های قبلی صحبت کنیم، به مثال های زیر توجه کنید:

I will be in London tomorrow.

I'm going shopping. I won't be very long.

Will you be at work tomorrow.

نکته: توجه داشته باشید هنگامی که نیت و قصد انجام کاری را در آینده داریم معمولاً از زمانها و عبارتهای دیگری مانند زمان حال استمراری و یا **going to** استفاده می کنیم.





فصل هشتم: اسم

اسم ها:

تعریف یک اسم کار دشواری نیست، اسم ها اشیاء و اسباب (things) و افعال اعمال و کار ها هستند. مثل food (غذا)، غذا چیزی است که ما میخوریم پس اسم است. یا Happiness (خوشحالی) چیزی است که آن را میخواهیم پس Happiness نیز اسم است و یا Human being (انسان بودن)، که چیزی است که شما هستید.

اسم ها چه هستند:

در تعریف ساده اسم ها اشخاص، مکانها و چیزها هستند. به مثال های زیر دقت کنید:

Person : man, woman, teacher, Mary, John.

Place : home, office, town, country, America, mosque ...

thing : table, car, banana, money, music, love, dog, monkey.

ایرادی که در تعریف فوق وجود دارد این است که کلمه love در آن تعریف نمی گنجد. با وجود اینکه love هم اسم، و هم فعل است.

یک راه (کمی پیچیده تر) دیگر برای تشخیص اسم استفاده از موارد زیر است:

با استفاده از پایان آن (it's Ending)

محل قرارگیری آن (position)

وظیفه (کارکرد) آن (Functions)

• پایان اسم ها (Noun Endings):

چندین مورد پایان مشخص برای کلمه وجود دارد که نشان دهنده اسم بودن آن لغت است:

ity > nationality

ment > management

ness > happiness

ation > relation

hood > childhood

البته این حالت پایانی برای تمامی حروف پایانی صحیح نیست به عنوان مثال: spoonful با ful تمام میشود در حالی که careful نیز چنین است.

• محل قرارگیری اسم ها (Position in Sentence):

در اغلب موارد میتوان از روی موقعیتی که یک اسم در جمله دارد آن را تشخیص داد.

اسم ها معمولا بعد از یک صفت اشاره (determiner) می آیند، صفت اشاره مثل: a, an, that, this, my, such و ...

a relief

an afternoon

the doctor

this word

my house

such stupidity



اسم ها معمولا بعد از یک و یا چند صفت می آیند:

a great relief
a peaceful afternoon
the tall, Indian doctor
this difficult word
my brown and white house [my brown white house]
such crass stupidity

• وظیفه اسم ها (Functions):

اسم ها وظیفه ای مشخص در جمله دارند:

subject of verb : Doctors work hard.

object of verb : He likes coffee.

subject and object of verb : teachers teach students.

همیشه فاعل (subject) و هدف (object) در جمله ها اسم نیستند. بلکه می توانند ضمیر (pronoun) و یا عبارت (phrase) باشند. phrase به گروهی از کلمات می گویند که معنای واحدی داشته باشند. مانند: run down که یک phrasal verb است. در جمله:

my doctor works hard ، اسم doctor ولی فاعل my doctor میباشد.

اسم های شمارا و غیر قابل شمارا

:(Countable Nouns, Uncountable Nouns)

در زبان انگلیسی اسامی را اغلب در قالب اسامی شمارا و غیر قابل شمارا تعریف می کنند.

• اسم های شمارا:

اسامی شمارا به آسانی قابل شناسایی هستند. آنها چیزهایی هستند که می توانیم آنها را بشماریم. مانند خودکار. ما می توانیم خودکار را بشماریم، می توانیم یک ، دو و چندین خودکار داشته باشیم. در زیر چند اسم شمارا را مشاهده می کنید:

dog, cat, animal, man, person

bottle, box, liter

coin, note, dollar

cup, plate, folk

table, chair, suitcase, bag

اسم های شمارا هم میتوانند مفرد (singular) و هم جمع (plural) باشند:

My dog is playing.

My dogs are hungry.

برای اسامی شمارا می توانیم از حروف نکره a و an استفاده کنیم. (indefinite article)

A dog is an animal.



هنگامی که اسامی شمارا به صورت مفرد به کار می رود حتما باید همراه آن یک کلمه مثل: a, the, this, my و ... بیاید.

I want an orange. (not I want orange)
Where is my bottle? (not where is bottle)

ولی هنگامی که اسمی شمارا به صورت جمع به کار رود نیازی به کلمات فوق نبوده و به تنهایی قابل استفاده است:

I like oranges.
Bottles can break.

همراه با اسم های شمارا میتوانیم از some و یا any استفاده نماییم:

I've got some dollars.
Have you got any pen?

علاوه بر این میتوانیم از a few و یا many نیز همراه با اسم های شمارا استفاده کنیم:

I've got a few dollars.
I haven't got many pens.

نکته: people به معنای مردم یک اسم شمارا است. و حالت جمع لغت person می باشد. ما میتوانیم مردم را بشماریم:

There is one person here.
There is three people here.

• اسم های غیر قابل شمارا:

اسم های غیر قابل شمارا می توانند یک نوع ماده، مفهوم و یا هر چیز دیگری باشد که نتوانیم آن را به بخش های مجزا تقسیم کنیم (نتوانیم آنها را بشماریم). به عنوان مثال ما شیر (milk) را نمیتوانیم بشماریم. ولی بطری های شیر (bottles of milk) قابل شمارا است. در زیر به چند مثال از اسامی غیر قابل شمارا دقت کنید:

music, art, love, happiness.
advice, information, news.
furniture, luggage.
rice, sugar, butter, water.
electricity, gas, power.
money, currency.

معمولا با اسم های غیر قابل شمارا مانند اسم های مفرد رفتار مینماییم. از فعل مفرد نیز استفاده میکنیم:

This news is very important.
your luggage looks heavy.

برای اسم های غیر قابل شمارا معمولا از حروف نکره a و an استفاده نمی کنیم. به عنوان مثال نمیتوانیم بگوییم: "an information" یا "a news" ولی می توانیم از حالت: a something of استفاده کنیم مثل:

a piece of news.
a bottle of water.
a grain of rice.



some و any را میتوانیم همراه با اسامی غیر قابل شمارا استفاده کنیم.

I've got some money.
Have you got any rice?

از a little و much نیز میتوان همراه با اسم های غیر قابل شمارا استفاده کرد:

I've got a little money.
I haven't got much rice.

نکته: به اسم های غیر قابل شمارا mass nouns (اسم های جمعی) نیز گفته میشود.

• اسم هایی که می توانند هم شمارا و هم غیر قابل شمارا باشند:
گاهی اوقات یک اسم هم میتواند شمارا و هم غیر قابل شمارا باشد. البته گاهی با تغییری در معنی.

Countable		Uncountable
There are two hairs in my coffee!	hair	I don't have much hair.
There are two lights in our bedroom.	light	Close the curtain. There's too much light!
Shhhhh! I thought I heard a noise.	noise	It's difficult to work when there is too much noise.
Have you got a paper to read (= newspaper)	paper	I want to draw a picture. Have you got some paper?
Our house has seven rooms.	room	Is there room for me to sit here?
We had a great time at the party.	time	Have you got time for a coffee?
Macbeth is one of Shakespeare's greatest works.	work	I have no money. I need work!

نکته: نوشیدنی ها (آب، قهوه و ...) معمولا غیر قابل شمارا هستند ولی گر داریم به یک لیوان آب و یا فنجان نوشیدنی فکر میکنیم میتوانیم بگوییم (مثلا در رستوران)

Two teas and one coffee please.

اسم های مشخص (Proper Nouns):

یک اسم مشخص (proper noun) کلمه ای (نامی) است که ما برای صحبت در مورد یک شخص، مکان، سازمان و ... به کار میبریم مثل: Sony, London, Marie, John. توجه داشته باشید که هر نامی اسم نیز هست ولی فقط اسم های خاصی هستند که اسم مشخصند. اسم های مشخص قاعده خاصی دارند:



common noun	proper noun
man, boy	John
woman, girl	Mary
country, town	England, London
company	Ford, Sony
shop, restaurant	Maceys, McDonalds
month, day of the week	January, Sunday
book, film	War & Peace, Titanic

• به کارگیری حروف بزرگ برای اسم های مشخص:

همیشه حرف اول اسم های مشخص را با حروف بزرگ می نویسیم. و این شامل اسم اشخاص، اماکن، کمپانی ها، روز های هفته و ماه ها می باشد. به مثال های زیر توجه کنید:

They like **John**.

I live in **England**.

She works for **Sony**.

The last day in **January** is a **Monday**.

We saw **Titanic** in the **Odeon Cinema**

• اسم های مشخص بدون **The**:

برای نام اشخاص از حرف تعریف **The** استفاده نمی کنیم. به عنوان مثال:

first names	Bill (<i>not *the Bill</i>)
	Hilary
surnames	Gates
	Clinton
full names	Bill Gates

به طور معمول برای نام کمپانی ها نیاز به **The** نیست:

Renault, Ford, Sony, EnglishClub.com

General Motors, Air France, British Airways

Warner Brothers, Brown & Son Ltd

برای مغازه ها، هتل ها و در کل مکان هایی که متعلق به شخصی هستند چنانچه با اسم شخص بیاید نیازی به **The** نیست:

shops	Harrods, Marks & Spencer, Maceys
banks	Barclays Bank
hotels, restaurants	Steve's Hotel, Joe's Café, McDonalds
churches, cathedrals	St John's Church, St Peter's Cathedral



معمولا برای اسم مکان ها نیز نیازی به The نمی باشد:

towns	Washington (not *the Washington), Paris, Tokyo
states, regions	Texas, Kent, Eastern Europe
countries	England, Italy, Brazil
continents	Asia, Europe, North America
islands	Corsica
mountains	Everest

استثناء: در صورتی که نام کشوری دارای یکی از کلمات kingdom, states, یا republic باشد، آن را با The بکار میبریم:

states	the United States, the US, the United States of America, the USA
kingdom	the United Kingdom, the UK
republic	the French Republic

چنانچه قبل از نام یکی از لغات Mr, Doctor, President و ... قرار گیرد از The استفاده نمیکنیم.

the president, the king	President Bush (not *the President Bush)
the captain, the detective	Captain Kirk, Detective Colombo
the doctor, the professor	Doctor Well, Dr Well, Professor Dolittle
my uncle, your aunt	Uncle Jack, Aunt Jill
Mr, Mrs, Miss	Mr Gates (not *the Mr Gates), Mrs Clinton, Miss Black

به مثال های زیر توجه کنید:

I wanted to speak to the doctor.

I wanted to speak to doctor Brown.

Who was the president before president Kennedy.

در حالتی که Lake و یا Mount همراه با اسم دریاچه یا کوه بیاید نیز نباید، The را به کار برد.

the lake	Lake Victoria
the mount	Mount Everest

به جمله زیر توجه کنید:

We live beside Lake Victoria. We have a fantastic view across the lake.



به طور معمول برای جاده ها، خیابان ها، میادین، چهار راه ها، پارک ها و ... نیز نباید از The استفاده کرد:

streets etc	Oxford Street, Trenholme Road, Fifth Avenue
squares etc	Trafalgar Square, Oundle Place, Piccadilly Circus
parks etc	Central Park, Kew Gardens

اسم ساختمان ها و اماکن خیلی مهم معمولا از دو و یا چند کلمه تشکیل شده است مثل Kennedy Airport چنانچه کلمه اول نام شخص و یا مکانی باشد، در این صورت نیز حرف The را به کار نمی بریم.

people	Kennedy Airport, Alexander Palace, St Paul's Cathedral
places	Heathrow Airport, Waterloo Station, Edinburgh Castle

• اسم های مشخص با The :

معمولا برای اسامی کشور هایی که که نامشان شامل کلماتی از قبیل State, Kingdom, Republic و ... می شود، از The نیز استفاده می کنیم:

States	the United States of America / the USA
Kingdom	the United Kingdom / the UK
Republic	the French Republic

معمولا برای اسم آبراهها (canals)، رودخانه ها، کوه ها، دریاها و اقیانوس ها نیز از The استفاده می کنیم:

canals	the Suez Canal
rivers	the River Nile, the Nile
seas	the Mediterranean Sea, the Mediterranean
oceans	the Pacific Ocean, the Pacific

معمولا برای اسامی جمع اشخاص و اماکن نیز از The استفاده می کنیم:

people (families, for example)	the Clintons
countries	the Philippines, the United States
island groups	the Virgin Islands, the British Isles
mountain ranges	the Himalayas, the Alps



به جملات زیر توجه کنید:

I saw the Clintons today, It was Bill's birthday.
Trinidad is the largest island in the West Indies.
Mount Everest is in the Himalaya.

به طور معمول برای انواع اسم های زیر نیز از The استفاده می کنیم:

hotels, restaurants	the Ritz Hotel, the Peking Restaurant
banks	the National Westminster Bank
cinemas, theatres	the Royal Theatre, the ABC Cinema
museums	the British Museum, the National Gallery
buildings	the White House, the Crystal Palace
newspapers	the Daily Telegraph, the Sunday Post
organisations	the United Nations, the BBC, the European Union

معمولا برای اسم هایی که با of درست می شوند نیز از The استفاده می کنیم:

The Tower of London.
The Gulf of Fars.
The London School of Economics.
The Bank of France.
The Statue of Liberty.

ملکی یا مضاف الیه (حالتی که تعلق داشتن به شخص یا چیزی را می رساند).

(Possessive 's):

هنگامی که می خواهیم نشان دهیم که چیزی به شخص یا چیز دیگری تعلق دارد، چنانچه اسم مفرد بود به انتهای آن علامت " 's " و چنانچه اسم جمع بود تنها علامت " ' " را می افزاییم. به عنوان مثال:

the boy's ball. (one boy)

the boys' ball. (two or more boys)

	one ball	more than one ball
one boy	the boy's ball	the boy's balls
more than one boy	the boys' ball	the boys' balls

این نحوه مالکیت علاوه بر یک اسم می توان برای یک عبارت نیز بکار رود:

The man next door's mother (The mother of the man next door)

The Queen of England's dogs.



اگرچه برای مالکیت از Of نیز می شود استفاده کرد ولی به کاربردن آپستروف اس "s" معمول تر است.

The books of my sister

My sister's book

اسم های مشخص (نام ها)

در بیشتر مواقع از 's برای اسم ها استفاده می کنیم:

This is Mary's car.

Where is Ram's telephone?

Who took Anthony's pen?

I like Tara's hair.

هنگامی که نامی با s ختم میشود معمولا با آن مثل یک اسم مفرد رفتار میکنیم:

This is Charles's chair.

البته این امکان وجود دارد که تنها یک آپستروف " ' " اضافه کنیم. (معمولا برای اسامی قدیمی و معروف این حالت به کار می رود.)

Who was Jesus' father?

اسم های جمع بی قاعده:

برای نشان دادن مالکیت اسم های بی قاعده معمولا با استفاده از آپستروف اس "s" این کار را میکنیم:

singular noun	plural noun
my child's dog	my children's dog
the man's work	the men's work
the mouse's cage	the mice's cage
a person's clothes	people's clothes



فصل نهم: صفت

صفتها (Adjectives):

صفت کلمه ای است که اطلاعات بیشتری در مورد اسم به ما می دهد. صفت می تواند قبل از اسم به کار گرفته شود. مثل: I like Chinese food و یا بعد از برخی افعال: It is hard. نکته اینکه میتوانیم بیش از

یک صفت را برای یک اسم به کار ببریم: A beautiful young French lady

نکته: به صفت، گاهی دشمن اسم نیز می گویند چرا که هنگامی که از اسم هاد دقیق (اسم هایی که خود همه اطلاعات لازم را در بر دارند) استفاده می کنیم دیگر نیازی به صفت نداریم. به عنوان مثال به جای گفتن

A large Impressive, house می توانیم بگوییم A mansion.

صفات اشاره یا محدود کننده (Determiners):

صفات اشاره کلماتی هستند از قبیل: the, an, my, some. از لحاظ گرامر مانند هم هستند، تمامی آنها در ابتدای یک اسم یا عبارت اسمی می آیند. به طور معمول برای هر اسم یا عبارت اسمی فقط یک صفت اشاره میتوان به کار برد.

حروف تعریف (Article):

the, a, an

صفات ملکی (بیانگر مالکیت) یا (Possessive Adjectives):

their, my, you, his, her, our

سایر صفات اشاره:

every, each

neither, either

no, any, some

most, much, many, more

least, little, less

fewest, few, fewer

whichever, what, whatever, which

all, both, half

several

enough

• حروف تعریف A, An و The

تعریف: محدود کننده (Determiner) به صفاتی گفته می شود که یک اسم را محدود می کنند.

تعریف فوق به زبان اصلی:

(Determiners are adjective or modifier that limits a noun)

چه موقع باید بگوییم a dog و کی باید بگوییم the dog؟ به a, an و the حروف تعریف (articles) می گویند. آنها را

به دو گروه معین یا معرفه (definite) و غیر معین یا نکره (Indefinite) تقسیم بندی می کنیم.

Articles	
Definite	Indefinite
the	a, an



وقتی داریم در مورد یک چیز خاص صحبت می کنیم، The را به کار می بریم و وقتی در مورد یک چیز به طور عمومی صحبت می کنیم a و یا an را به کار می گیریم.
به عنوان مثال آسمان را در شب در نظر بگیرید. در آسمان یک ماه و میلیونها ستاره وجود دارد. بنابراین به طور معمول می گوییم:

I saw the moon last night.
I saw a star last night.

به مثالهای زیر توجه کنید:

the	a, an
The capital of France is Paris.	I was born in a town.
I have found the book that I lost.	John had an omelette for lunch.
Have you cleaned the car?	James Bond ordered a drink.
There are six eggs in the fridge.	We want to buy an umbrella.
Please switch off the TV when you finish.	Have you got a pen?

توجه داشته باشید که خیلی مواقع a, the و an را برای کلمات مشابهی به کار می بریم. و اینکه از کدام حرف تعریف برای کلمه مورد نظر استفاده کنیم به وضعیت و موقعیت کلمه بستگی دارد و نه خود کلمه. به مثال زیر توجه کنید:
We want to buy an umbrella. (هر چتری، چتر خاصی را در نظر نداریم)
Where is the umbrella? ((ما یک چتر داریم و به دنبال آن می گردیم)
داستان کوتاه زیر را بخوانید، این داستان به شما درک مفهوم بکارگیری a, the و an کمک خواهد کرد.

A man and a woman were walking in Oxford Street. The woman saw a dress that she liked in a shop. She asked the man if he could buy the dress for her. He said: "Do you think the shop will accept a cheque? I don't have a credit card."

• Every و Each :

each و every معانی مشابهی دارند البته در برخی مواقع با اندکی تفاوت. each به معنای هرکس یا هر چیز به طور جداگانه است ولی every به معنای همه کس و همه چیز (کجا) می باشد. به مثال های زیر توجه کنید:

Every artist is sensitive.

Each artist sees things differently.

Every soldier saluted as the President arrived.

The President gave each soldier a medal.

each می تواند قبل از فعل به کار رود:

The soldiers each received a medal.

each می تواند به همراه of به کار رود:

The president spoke to each of the soldiers.

He gave a medal to each of them.

every را نمی توان برای دو چیز به کار برد. برای دو چیز باید از each استفاده کرد:

He was carrying a suitcase in each hand.



every را به کار می بریم که بگوییم یک رویداد چقدر اتفاق می افتد:

There is a plane to Bangkok every day.

The bus leaves every hour.

نکته: افعالی که با each و every به کار می روند، همیشه در حالت مفرد صرف می شوند.

• Any و Some:

Some = یک کم، عدد کوچک و یا مقدار کم

Any = یکی، یک کم و یا همه.

معمولا از Some در جملات مثبت و از Any در جملات منفی و سؤالی استفاده می کنیم.

	some	any	example situation
+	I have some money.		I have \$10.
-		I don't have any money.	I don't have \$1 and I don't have \$10 and I don't have \$1,000,000. I have \$0.
?		Do you have any money?	Do you have \$1 or \$10 or \$1,000,000?

نکته: در کل از Something\Anything و Somebody\Anybody مانند Some و Any استفاده می کنیم. (منظور به کار بردن در جملات منفی، مثبت و سؤالی است).
به مثالهای زیر توجه کنید:

He needs some stamps.

I must go. I have some homework to do.

I'm thirsty. I want something to drink.

I can see somebody coming.

He doesn't need any stamps.

I can stay. I don't have any homework to do.

I'm not thirsty. I don't want anything to drink.

I can't see anybody coming.

Does he need any stamps?

Do you have any homework to do?

Do you want anything to drink?

Can you see anybody coming?

از Any تنها وقتی در جملات مثبت استفاده می کنیم که معنای کل جمله منفی باشد:

I refused to give them any money. (I did not give them any money)

She finished the test without any difficulty. (She did not have any difficulty)

برخی اوقات از Some در جملات سؤالی نیز استفاده می کنیم. البته تنها هنگامی که انتظار جواب مثبتی را از مخاطبمان داریم: (می توان گفت که جمله یک جمله واقعا سؤالی نیست چرا که فکر می کنیم جواب را میدانیم)



Would you like some more tea?
Could I have some sugar please?

ترتیب صفات (Adjective orders):

برای صفتها دو مکان اصلی و پایه در جمله وجود دارد
۱. قبل از اسم.
۲. بعد از افعال اصلی.

		adj.	noun	verb	adj.
1	I like	big	cars.		
2			My car	is	big.

• صفت قبل از اسم: (Adjective before nouns)

گاهی اوقات چندین صفت را قبل از یک اسم به کار می بریم:

I like big black dogs.
She was wearing a beautiful long red dress.

ترتیب صحیح قرارگیری صفتها قبل از اسم چیست؟
درکل ترتیب چنین است: ۱. نظر و عقیده (مانند زیبا، زشت و ...) ۲. حقیقت (مانند قرمز، آلمانی و ...)
۱. نظر و عقیده (Opinion):

She has a nice French car.

۲. حقیقت (Fact):

She has a nice French car.

چنانچه چند صفت حقیقی داشته باشیم ترتیب صفات بدین گونه خواهد بود:

اندازه (size)، طول عمر (age)، شکل (shape)، رنگ (color)، جنسیت (material) و اصلیت (origin)

A big, old, square, brown, wooden Chinese table.

صفات اشاره (محدود کننده) معمولاً قبل از سایر صفات به کار می روند حتی اگر حقیقی باشند. در زیر صفات اشاره را مشاهده می کنید:

صفات حرف تعریف (article adjectives):

A, The

صفات ملکی (possessive adjectives):

my, your,....

صفات اشاره (demonstrative adjectives):

this, that

صفات کمی (quantifier adjectives):

some, any, few, many

اعداد (numbers):

one, two,...



به مثال زیر که هم صفت اشاره دارد و هم صفات نظری و حقیقی توجه کنید:

adjectives				noun	
determiner	opinion	fact			
		age	shape	colour	
two	nice	old	round	red	candles

هنگامی که می خواهیم دو صفت رنگ را با هم به کار ببریم آنها را با and به هم وصل می کنیم:

Many newspapers are black and white.

She was wearing a long blue and yellow dress.

نکته: ترتیب صفاتی که ذکر شد یک ترتیب کلی بود ولی همیشگی نیست، برخی مواقع شما برای نشان دادن تأکید بیشتر می توانید جای آنها را تغییر دهید. به دو مکالمه زیر توجه کنید:

A: " I want to buy a round table. "

B: " Do you want a new round table or an old round table? "

مکالمه دوم:

A: " I want to buy an old table. "

B: " Do you want a round old table or a square old table? "

• صفت بعد از فعل (verbs Adjective after certain):

به مثال های زیر توجه کنید:

فاعل + فعل + صفت: (subject+ verb + adjective):

Ram is English.

Because she had to wait, she became impatient.

Is it getting dark?

The examination did not seem difficult.

Your friend looks nice.

This towel feels damp.

That new film doesn't sound very interesting.

Dinner smells good tonight.

This milk tastes sour.

صفات مقایسه ای (Comparative Adjectives):

وقتی در مورد دو چیز صحبت می کنیم، می توانیم آنها را با یکدیگر مقایسه کنیم. از صفات مقایسه ای برای بیان تفاوت های دو چیز استفاده می کنیم.

نکته: تنها برای مقایسه دو چیز می توان از صفات مقایسه ای استفاده کرد نه بیشتر. در مثال زیر bigger شکل مقایسه ای صفت big می باشد.



A1 A2

A1 is bigger than A2.

• ساخت صفت مقایسه ای:

دو راه برای ساخت صفت مقایسه ای وجود دارد:

صفات کوتاه (adjectives short) : طریقه ساخت با افزودن er به آخر صفت.

صفات بلند (adjective long) : طریقه ساخت با بکار بردن more.

Short adjectives	
صفات یک بخشی (تک سیلابی)	old, fast
صفات دو بخشی (دو سیلابی) که به y ختم می شوند.	happy, easy
قانون طبیعی: افزودن er به آخر صفت.	old > older
تغییر: چنانچه صفت به e ختم می شد کافیسیت به انتهای آن r بیافزاییم.	late > later
تغییر: چنانچه سه حرف آخر صفت به ترتیب حرف بی صدا، صدادار و بی صدا بود، حرف بی صدای آخر را دوبار تکرار می کنیم.	big > bigger
تغییر: اگر صفت به y ختم شد، آرا به y تبدیل میکنیم.	happy > happier
Long adjectives	
صفات دوسیلابی که به y ختم نمی شوند.	modern, pleasant
تمام صفت های سه سیلابی و یا بیشتر.	expensive, intellectual
قانون طبیعی: به کارگیری more	modern > more modern expensive > more expensive

استثناء: در تبدیل صفات زیر به صفت مقایسه ای از قانون خاصی پیروی نمی شود:

good ⇒ better

well (healthy) ⇒ better

bad ⇒ worse

far ⇒ farther/further

نکته: برای برخی از صفات دوسیلابی که به y نیز ختم نمی شوند می توان er و یا more را به کار برد:

quiet ⇒ quieter/more quiet

clever ⇒ cleverer/more clever

narrow ⇒ narrower/more narrow

simple ⇒ simpler/more simple

• طرز به کارگیری صفات مقایسه ای:

ما فقط و فقط هنگامی از صفات مقایسه ای استفاده می کنیم که داریم از دو چیز صحبت می کنیم (نه سه و یا بیشتر)



در اغلب موارد صفات مقایسه ای (comparative adjectives) با then همراه هستند، به مثالهای زیر توجه کنید:

John is 1.80 meter. He is tall. But Chris is 1.85 meter. He is taller than John.

America is big. But Russia is bigger.

I want to have a more powerful computer.

Is French more difficult than English?

اگر درباره دو سیاره زمین و مریخ صحبت می کنیم، می توانیم آنها را به طوری که در جدول زیر نشان داده شده مقایسه کنیم:

	Earth	Mars	
Diameter (km)	12,760	6,790	Mars is smaller than Earth.
Distance from Sun (million km)	150	228	Mars is more distant from the Sun.
Length of day (hours)	24	25	A day on Mars is slightly longer than a day on Earth.
Moons	1	2	Mars has more moons than Earth.
Surface temperature (°C)	22	-23	Mars is colder than Earth.

نکته: درست است که ما هنگام استفاده از صفات مقایسه ای تنها دو چیز را با یکدیگر مقایسه می کنیم، اما همین دو چیز می تواند دو گروه (که هر گروه می تواند شامل تعداد زیادی عنصر باشد) باشد مانند: در این مثال کوه اورست با سایر کوههای دنیا مقایسه می شود. یعنی یک چیز با یک گروه.
Mt Everest is higher than all other mountains.

صفات برتر (Superlative Adjectives):

صفت برتر بیانگر بالاترین و یا بهترین کیفیت می باشد. از این صفت برای نشان دادن بهترین بودن یک چیز در بین گروهی از چیزها می باشد.
در مثال زیر biggest شکل برتر صفت big می باشد:

A B c

A is the biggest.

• طریقه ساخت صفت برتر:

همانند ساخت صفات مقایسه ای دو راه برای ساخت صفت برتر وجود دارد: صفات کوتاه (short adjectives): طریقه ساخت: افزودن est به انتهای صفت.

صفات بلند (long adjectives): طریقه ساخت: به کارگیری most.

معمولا قبل از صفت نیز the را اضافه می کنیم:



Short adjectives	
صفات یک بخشی (تک سیلابی)	old, fast
صفات دو بخشی (دو سیلابی) که به y ختم می شوند.	happy, easy
قانون طبیعی: افزودن est به آخر صفت.	old > the oldest
تغییر: چنانچه صفت به e ختم می شد کفایت به انتهای آن st بیافزاییم.	late > the latest
تغییر: چنانچه سه حرف آخر صفت به ترتیب حرف بی صدا، صدادار و بی صدا بود، حرف بی صدای آخر را دوبار تکرار می کنیم.	big > the biggest
تغییر: اگر صفت به y ختم شد، ا را به y تبدیل میکنیم.	happy > the happiest
Long adjectives	
صفات دوسیلابی که به y ختم نمی شوند.	modern, pleasant
تمام صفت های سه سیلابی و یا بیشتر.	expensive, intellectual
قانون طبیعی: به کارگیری most	modern > the most modern expensive > the most expensive

نکته: برای برخی از صفات دوسیلابی که به y نیز ختم نمی شوند می توان est و یا most را به کار برد:

quiet \Rightarrow the quietest/most quiet

clever \Rightarrow the cleverest/most clever

narrow \Rightarrow the narrowest/most narrow

simple \Rightarrow the simplest/most simple

استثناء: در تبدیل صفات زیر به صفت مقایسه ای از قانون خاصی پیروی نمی شود:

good \Rightarrow the best

bad \Rightarrow the worst

far \Rightarrow the furthest

• طرز استفاده از صفات برتر:

ما از صفت برتر برای بیان یک چیز در یک گروهی از سه چیز و یا بیشتر استفاده می کنیم. به مثال های زیر توجه کنید:

John is 1.75 meter. David is 1.80meter. Chris is 1.85 meter. Chris is the tallest.

Canada, China and Russia are big countries. But Russia is the biggest.

Mount Everest is the highest mountain in the world.

چنانچه داریم درباره سه سیاره زمین (earth)، مریخ (mars) و مشتری (Jupiter) صحبت می کنیم، می توانیم صفات برتر را آنگونه که در جدول زیر نشان داده شده به کار ببندیم:



	Earth	Mars	Jupiter	
Diameter (km)	12,760	6,790	142,800	Jupiter is the biggest.
Distance from Sun (million km)	150	228	778	Jupiter is the most distant from the Sun.
Length of day (hours)	24	25	10	Jupiter has the shortest day.
Moons	1	2	16	Jupiter has the most moons.
Surface temp. (°C)	22	-23	-150	Jupiter is the coldest.

نکته: هنگامی که داریم یک چیز را با خودش مقایسه می کنیم دیگر نباید از the استفاده کنیم:

England is coldest in winter. (not the coldest)

My boss is most generous when we get a big order. (not the most generous)



فصل دهم: ضمیر

ضمیر ها (Pronouns):

ضمیر کلمه کوچکی است که در جمله به جای اسم به کار می رود (به اسم مورد نظر ما اشاره میکند) ضمیر ها کلماتی هستند مانند: he, you, ours, themselves, some, each , etc
اگر در قواعد زبان ضمیر وجود نمی داشت آنگاه مجبور بودیم در صحبت های خود اسامی را پی در پی تکرار کنیم. به مثال زیر توجه کنید در این مثال فرض بر آن بوده که ضمیر وجود ندارد:

Do you like the president? I don't like the president. The president is too pompous.

در صورتی که با وجود ضمیر ها می توانیم بگوییم:

Do you like the president? I don't like him. He is too pompous.

ضمیر های شخصی (Personal Pronouns):

در جدول زیر لیست ضمیر شخصی را مشاهده می کنید. در این جدول صفات ملکی نیز آورده شده است. (برای سهولت در یادگیری) تا آنها را با ضمیر شخصی مقایسه کنید.

کلمات مورد استفاده در این جدول:

Pronouns = ضمیر ها

Number = تعداد

Person = شخص (منظور همان اول شخص و دوم شخص و ... می باشد)

Gender = جنسیت

Subject = فاعل یا کننده کار

Object = شیء

Possessive = ملکی

Reflexive = اشاره کننده به فاعل یا همان subject

Possessive adjective = صفات ملکی

M = منظور مذکر یا همان male

F = منظور مؤنث یا همان female

number	person	gender*	pronouns				Possessive adjectives
			subject	object	possessive	reflexiv	
singular	1st	m/f	I	me	mine	myself	my
	2nd	m/f	you	you	yours	yourself	your
	3rd	m	he	him	his	himself	his
		f	she	her	hers	herself	her
		n	it	it	its	itself	its
plural	1st	m/f	we	us	ours	ourself	our
	2nd	m/f	you	you	yours	yourselves	your
	3rd	m/f/n	they	them	theirs	themselves	their



به مثال های زیر توجه کنید:

pronoun	subject	She likes homework.
	object	The teacher gave me some homework.
	possessive	This homework is yours.
	reflexive	John did the homework himself.
possessive adjective		The teacher corrected our homework.



فصل یازدهم: حروف اضافه

لیست حروف اضافه (Propositions list):

تعریف: proposition به بخشی از صحبت گفته می شود که برای برقراری ارتباط بین دو کلمه به کار می رود.

در زبان انگلیسی حدود ۱۵۰ حرف اضافه وجود دارد. که البته در مقایسه با تعداد اسمها یا فعلها مقدار ناچیزی به نظر می رسد. حروف اضافه کلمات مهمی هستند. ما از حروف اضافه مفرد بیشتر از هر کلمه مفرد دیگر در جملات استفاده می کنیم. در حقیقت حروف اضافه of, to و in جزء ده کلمه پر کاربرد در زبان انگلیسی هستند. در زیر لیستی از حروف اضافه معمول و تکی کلمه ای را مشاهده می کنید توجه داشته باشید که بسیاری از این حروف اضافه دارای معانی مختلفی هستند. لطفا برای پی بردن به معنا و کاربرد دقیق هریک به دیکشنری مراجعه نمایید:

aboard	considering	per
about	despite	plus
above	down	regarding
across	during	round
after	except	save
against	excepting	since
along	excluding	than
amid	following	through
among	for	to
anti	from	toward
around	in	towards
as	inside	under
at	into	underneath
before	like	unlike
behind	minus	until
below	near	up
beneath	of	upon
beside	off	versus
besides	on	via
between	onto	with
beyond	opposite	within
but	outside	without
by	over	
concerning	past	



فصل دوازدهم: معنی فعل ها در زمان های استمراری

معنی فعل ها در زمانهای استمراری:

چند فعل وجود دارد که به طور معمول با زمانهای استمراری به کار نمی روند، افعال دیگری نیز وجود دارند که وقتی در زمان های ساده به کار می روند یک معنی و هنگامی که در زمانهای استمراری به کار برده می شوند معنای دیگری میدهند.

افعالی که در زمانهای استمراری به کار برده نمی شوند:

برخی از افعال هستند که معمولاً آنها را در زمانهای استمراری به کار نمی بریم. کلماتی را که در زیر مشاهده می کنید معمولاً در زمانهای ساده مورد استفاده قرار می گیرند و نه استمراری:

hate, like, love, need, prefer, want, wish

believe, imagine, know, mean, realize, recognize, remember, suppose,

understand

belong, concern, consist, contain, depend, involve, matter, need, owe, own,

possess

appear, resemble, seem,

hear, see

به چند مثال توجه کنید:

I want a coffee.	not I am wanting a coffee.
I don't believe you are right.	not I am not believing you are right.
Does this pen belong to you?	not Is this pen belonging to you?
It seemed wrong.	not It was seeming wrong.
I don't hear anything.	not I am not hearing anything.

توجه داشته باشید که معمولاً افعال see و یا hear با فعل can به کار می بریم.

I can see someone in the distance. (not I am seeing someone in the distance)

I can't hear you very well. (not I am not hearing you very well)

افعالی با دو معنای مختلف:

بعضی از افعال هستند که دارای دو معنا و مفهوم متفاوتند که از یک معنای آنها فقط و فقط در زمان های ساده می توانیم

استفاده کنیم ولی معنای دیگر هم در زمان های ساده و هم در زمانهای استمراری قابل استفاده اند. به عنوان مثال فعل

to think دارای دو معنای مختلف است:

I think Ricky Martin is sexy.

I am thinking about my homework.

در مثال اول فعل to think به معنای "اعتقاد داشتن، باور داشتن و یا نظر دادن" می باشد.

در مثال دوم فعل to think به معنای "فکر کردن" است.



به معنای فعل **to think** در مثال اول که بیانگر هیچ عمل و یا فعالیت نیست، **stative** و یا وضعیتی می گوییم.

به معنای فعل **to think** در مثال دوم که القا کننده عمل و یا فعالیت است، **dynamic** و یا متحرک می گوییم. هنگامی که می خواهیم مفهومی وضعیتی را بیان کنیم از زمان های ساده استفاده می نماییم، ولی برای بیان مفاهیم عملیاتی و یا فعالیت، می توانیم هم از زمان های ساده و هم از زمان های استمراری استفاده کنیم (بسته به موقعیت) به مثال های زیر توجه کنید:

Stative sense (no real action)	Dynamic sense (a kind of action)	
Simple only	Continuous	Simple
I think she is beautiful.	Be quiet. I'm thinking.	I will think about this problem tomorrow.
I don't consider that he is the right man for the job.	We are considering your job application and will give you our answer in a few days.	We consider every job application very carefully.
This table measures 4x 6 feet.	She is measuring the room for a new carpet.	A good carpenter measures his wood carefully.
Does the wine taste good?	I was tasting the wine when I dropped the glass.	I always taste wine before I drink it.
Mary has three children.	Please phone later. We are having dinner now.	We have dinner at 8pm every day.

فعل **be** و زمان های استمراری:

فعل **be** هم می تواند فعل کمکی باشد (Mary is learning English) و هم می تواند فعل اصلی باشد (Mary is French) در اینجا نگاهی خواهیم داشت به فعل **be**، به عنوان فعل اصلی: معمولاً در زمان های ساده فعل **be** را به عنوان فعل اصلی به کار می بریم. به طور مثال می گوییم:

London is the capital of UK. (not London is being the capital of UK)

Is she beautiful? (not Is she being beautiful?)

Were you late? (not Were you being late?)



بعضی اوقات می توانیم فعل **be** را با زمان های استمراری نیز به کار ببریم. این موقعی است که مفهوم واقعی فعل **be** عمل، رفتار یا کاری باشد. (behave or act).

مثال های موجود در این جدول را با یکدیگر مقایسه کنید:

Mary is a careful person. (Mary is always careful - it's her nature.)	John is being careful. (John is acting carefully now, but maybe he is not always careful – we don't know.)
Is he always so stupid? (Is that his personality?)	They were being really stupid. (They were behaving really stupidly at that moment.)
Andrew is not usually selfish. (It is not Andrew's character to be selfish.)	Why is he being so selfish? (Why is he acting so selfishly at the moment?)

در زیر ساختار فعل **be** را برای زمان حال استمراری مشاهده می کنید:

I am being
You are being
He, she, it is being
We are being
They are being

دقت کنید که ما بین "to be sick" و "to be being sick" تفاوت قائلیم.

She is sick. (او الان حالش خوب نیست)

She is being sick. (او داره مریض میشه)



ضمیمه رایگان

کلمات کاربردی (useful vocabulary)

و

ضرب المثل های انگلیسی (English proverbs)

کلمات کاربردی (useful vocabulary)

انواع کلمات (*part of speech*)

در دستور زبان انگلیسی هشت نوع کلمه وجود دارد:

- ۱- اسم (Noun) مثال: Ali - book - lion - umbrella
- ۲- صفت (Adjective) مثال: large - good - hot - beautiful
- ۳- ضمیر (Pronoun) مثال: him - them - We - They
- ۴- فعل (Verb) مثال: go - come - read - watch
- ۵- قید (Adverb) مثال: well - slowly - badly - rapidly
- ۶- حرف اضافه (Preposition) مثال: in - at - by - to
- ۷- حرف ربط (Conjunction) مثال: and - or - but - so
- ۸- صوت (Interjection) مثال: oh - Bravo

البته بعضی از کلمات وجود دارند که نسبت به هر جمله می توانند معانی مختلف داشته باشند. به جملات زیر توجه کنید:

1. I gave him a present.
2. I cannot tell you at the present moment.
3. They will present you to the king.
4. At present he is absent.

همانطور که ملاحظه می کنید در جمله اول **present** به معنای هدیه است. (اسم)

در جمله دوم **present** معنای حال یا حاضر می دهد. (صفت)

در جمله سوم **present** به معنای مهیا و آماده کردن است. (فعل)

در جمله آخر **present** به معنای اکنون یا زمان حال است. (قید)

طبیعی است برای تشخیص اینکه یک کلمه در مکانهای مختلف چه معنی می دهد باید گنجینه لغت بیشتری برای خود فراهم آوریم و این میسر نیست مگر با مطالعه کردن و سرو کار داشتن با واژگان انگلیسی و تمرین کردن.

اسم (Noun)

اسم در هر زبانی به طور کلی برای نامیدن شخصی یا حیوانی یا چیزی یا مفهومی به کار می رود. اسم ها را میتوانیم به دو دسته کلی تقسیم کنیم.

اسم های عام (common nouns)

اسم های خاص (proper nouns)

اسم عام اسمی است که شامل همه افراد همجنس باشد مانند: man- city- book- girl که شامل هر دختر، کتاب، شهر

و مردی می شود.



اسم خاص اسمی است که نشان دهنده فرد یا افرادی مخصوص و معین باشد که از آن شخص یا مکان و ... با آن نوع مشخصات خاص فقط یکی وجود دارد. مانند: Iran - Tehran - Ali - John. ممکن است گفته شود که میلیونها علی در دنیا وجود دارد اما باید توجه داشته باشیم که هیچکدام از علی ها عیناً مثل هم نیستند و هیچ انسان مشابه به هم که صد در صد عین هم باشند وجود ندارد. باید توجه داشته باشیم که اسم های خاص طبیعتاً نمی توانند جمع بسته شوند یا علامت مفرد بگیرند. اما اسم های عام می توانند جمع و مفرد داشته باشند.

طریقه جمع بستن اسم:

اسم از نظر تعداد بر دو قسم است: اسم مفرد: Singular و اسم جمع: Plural. برای جمع بستن اسمها به آخر اسم حرف **s** اضافه می شود. به این مثالها توجه کنید.

boy	boys
girl	girls
desk	desks
lion	lions

البته بعضی استثناها هم وجود دارد که تعدادی از آنها را با همدیگر مرور می کنیم.

۱. کلماتی که آخرشان به حروف **s- sh- ch- x** ختم می شوند برای جمع شدن **es** می گیرند. به این مثال ها توجه کنید.

bus	buses
brush	brushes
box	boxes
watch	watches

کلماتی که به **o** ختم می شوند هم معمولاً **es** می گیرند اما استثناهایی هم وجود دارند.

potato	potatoes
tomato	tomatoes
radio	radios
piano	pianos

۲. کلماتی که به حرف **y** ختم می شوند اگر قبل از **y** حرف بی صدا (یعنی غیر از حروف a- i- e- o- u) وجود داشته باشد حرف **y** تبدیل به **ies** می شود.

country	countries
dictionary	dictionaries
lady	ladies

اگر قبل از حرف **y** حرف صدادار وجود داشته باشد جمع بستن به صورت معمولی است.

boy	boys
-----	------

۳. معمولاً کلماتی که به **f** یا **fe** ختم می شوند این حروف تبدیل به **ves** می شوند.

wife	wives
wolf	wolves
knife	knives



۴. تعداد محدودی از کلمات وجود دارند که به صورت معمول جمع بسته نمی شوند و جمع خاص خودشان را دارند.

man	men
woman	women
tooth	teeth
foot	feet
goose	geese
child	children

تفاوت کلمات در انگلیسی آمریکایی (**American English**) و انگلیسی بریتانیایی (**British English**) انگلیسی آمریکایی (**American English**) و انگلیسی بریتانیایی (**British English**) در واقع دو حالت متفاوت و در عین حال نزدیک به هم در زبان انگلیسی هستند. در ادامه با برخی از تفاوت‌های میان این دو نسخه از زبان انگلیسی آشنا می‌شوید.

املاي کلمات

انگلیسی بریتانیایی تمایل دارد که املاي بسیاری از کلماتی که ریشه فرانسوی دارد را حفظ کند، در حالیکه آمریکایی‌ها بیشتر سعی می‌کنند کلمات را همانطور که تلفظ می‌کنند بنویسند. علاوه بر این، آنها حروفی را که مورد نیاز نیست حذف می‌کنند. به مثال‌های زیر دقت کنید:

British English 	American English 
colour	color
centre	center
honour	honor
analyse	analyze
cheque	check
tyre	tire
favour	favor

اگر چه هر دو نسخه‌ی آمریکایی و بریتانیایی زبان انگلیسی صحیح هستند، اما املاي آمریکایی معمولاً ساده‌تر است. بنابراین بهتر است بطور کلی از املاي آمریکایی استفاده کنید، مگر اینکه بخواهید برای خوانندگان بریتانیایی چیزی بنویسید.

لغت

در جدول صفحه بعد چند کلمه متداول بریتانیایی به همراه معادل آمریکایی آن ارائه شده است:



British English	American English	معنی فارسی
		
lift	elevator	آسانسور
trousers	Pants	شلوار
lorry	Truck	کامیون
petrol	gasoline	بنزین
underground	subway	مترو
aerial	antenna	آنتن
rubber	eraser	پاک‌کن
flat	apartment	آپارتمان
wardrobe	closet	جارختی
queue	line	صف
pavement	sidewalk	پیاده‌رو

کلمات زیبای انگلیسی:
 این لغات بر طبق بررسی انجام شده یک شرکت انگلیسی که از حدود ۴۰۰۰۰ دانشپذیر زبان انگلیسی انجام شده، گردآوری شده است. افرادی که به این لغات رای داده بودند زبان انگلیسی را به عنوان زبان دوم می‌آموختند که بر طبق نظرشان این لغات یا مفهومی که جزو زیباترین‌ها در زبان انگلیسی می‌باشد.

1. Mother - مادر
2. Passion - عشق و شور
3. Smile - لبخند
4. Love - عشق
5. Eternity - جاودانگی
6. Fantastic - فوق العاده
7. Destiny - سرنوشت
8. Freedom - آزادی
9. Liberty - آزادی - اختیار
10. Tranquility - آرامش
11. Peace - صلح
12. Blossom - شکوفه
13. Sunshine - نور آفتاب
14. Sweetheart - عزیز دل
15. Gorgeous - با وقار
16. Cherish - گرمی داشتن
17. Enthusiasm - اشتیاق



18. Hope – امید
19. Grace – وقار
20. Rainbow - رنگین کمان
21. Blue – آبی
22. Sunflower – آفتابگردان
23. Twinkle - چشمک زدن
24. Serendipity - خوش بیاری
25. Bliss – سعادت
26. Lullaby – لالایی
27. Sophisticated - سطح بالا
28. Renaissance – رنسانس
29. Cute – بانمک
30. Cosy – دنج
31. Butterfly – پروانه
32. Galaxy – کهکشان
33. Hilarious – مضحک
34. Moment – لحظه
35. Extravaganza - اغراق آمیز
36. Aqua - آب مانند
37. Sentiment – عاطفه
38. Cosmopolitan - بین المللی
39. Bubble – حباب
40. Pumkin – کدوتنبیل
41. Banana – موز
42. Lollipop - خروس قندی
43. Bumblebee - زنبور عسل
44. Giggle – خنده
45. Paradox – پارادکس
46. Delicacy – ظرافت
47. Peek-a-boo - یک نوع بازی کودکانه
48. Umbrella – چتر
49. Kangaroo – کانگارو
50. Elixir – کیمیا

IQ = Intelligence Quotient

اینگلیتد
یرتین

فرم کامل برخی از حروف مخفف (**Abbreviations**)

بهره هوشی - ضریب هوشی



ID = Identification	کارت شناسایی
CD = Compact Disc	سی دی - دیسک فشرده
DVD = Digital Video-Disc / Digital Versatile Disc	دی وی دی
PhD = Doctor of philosophy	درجه دکتری
ISO = International Organization for Standardization	ایزو - سازمان جهانی استاندارد
ICU = Intensive Care Unit	بخش مراقبت های ویژه
AIDS = Acquired Immune Deficiency Syndrome	بیماری ایدز - سندرم از بین برنده امنیت دفاعی بدن
ISBN = International Standard Book Number	شماره استاندارد بین المللی کتاب
OPEC = Organization of Petroleum Exporting Countries	اوپک - سازمان کشورهای صادرکننده نفت
IRNA = Islamic Republic News Agency	ایرنا - خبرگزاری جمهوری اسلامی
ISNA = Iranian Student News Agency	ایسنا - خبرگزاری دانشجویان ایران
TOEFL = Test of English as a Foreign Language	آزمون تافل
IELTS = International English Language Testing System	آزمون آیلتس
UNESCO = United Nations Educational Scientific and Cultural Organization	یونسکو - سازمان آموزش علمی و فرهنگی ملل متحد
UNICEF = United Nations Children's Fund / United Nations International Children's Emergency Fund	یونیسف - صندوق اضطراری سازمان ملل متحد برای کودکان
PIN = Personal Identification Number	شماره شناسایی شخصی



اسامی میوه ها به زبان انگلیسی:

Fruit	Meaning	Fruit	Meaning
Apple	سیب	Persimmon	خرمالو
Orange	پرتقال	Pomegranate	انار
Tangerine	نارنگی	Peach	هلو
Red Mulberry	توت سیاه	Grapefruit	گریپ فروت
White Mulberry	توت سفید	Watermelon	هندوانه
Black Mulberry	شاه توت	Melon	خربزه
Common Hawthorn Fruit	زالزالک	Cantaloupe – Muskmelon	طالبی
Jujube	عناّب	Cucumber	خیار
Citron	بالنگ	Avocado	آووکادو
Sour grapes	غوره	Strawberry	توت فرنگی
Fig	انجیر	Pineapple	آناناس
Tamarind	تمبر هندی	Coconut	نارگیل
Olive	زیتون	Apricot	زردآلو
Date	خرما	Pear	گلابی
Green Almond	چغاله بادام	Plum	آلو
Rhubarb	ریواس	Lemon	لیمو
Nectarine	شلیل	Lime	لیمو ترش
Greengage	گوجه سبز	Quince	به
Banana	موز	Hazel	فندق
Grapes	انگور	Mango	انبه
Cherry	گیلاس	Cornelian Cherry	زغال اخته



اسامی مشاغل به زبان انگلیسی:

Jobs	Meaning	Jobs	Meaning
Principal	مدیر مدرسه	Typist	ماشین نویس
Physician	پزشک	Miller	اسیابان
Dancer	رقاص	Webmaster	کارشناس اینترنت
Archivist	بایگان، ضابط	Actuary	امارگیر
Seafarer	دریا نورد، بحر پیما	Interpreter	مفسر
Employer	کارفرما	Undertaker	قبر کن
Assistant	معاون	Priest	کشیش
Diplomat	دیپلمات	Bookseller	کتاب فروش
Detective	کارگاه	Publisher	ناشر
Demarche	بخشدار	Baker	نانوا
Employee	کارمند	Manager	مدیر
Dress maker	خیاط زنانه	Governor	فرماندار
Receptionist	منشی	Cashier	صندوقدار
Maid	خدمتکار زن	Weatherman	هواشناس
Shepherd/Rancher	چوپان	Repairman	تعمیر کار
Gardener	باغدار	Farmer	کشاورز
Muezzin	موذن	Artist	هنرمند
Cameleer	ساریان	Banker	بانکدار
Cook	آشپز	Blacksmith	آهنگر
Dentist	دندان پزشک	Boss	رئیس
Carpenter	نچار	Brigadier	سر تیپ
Housekeeper	خانه دار	Caretaker	سرایدار
Council	شورا	Clerk	کارمند
Writer/Author	نویسنده	Coach	مربی (ورزشی)
Waiter	گارسون	Colonel	سرهنگ
Professor	استاد	Diver	غواص
Seller	فروشنده	Doctor	دکتر
Glass maker	شیشه بر	Doorman	دربان
Headmistress	مدیر زن	Headmaster	مدیر مرد
House wife	زن خانه دار	Green grocery	سبزی و میوه فروش



Painter	نقاش ساختمان	Guard	نگهبان
Boatman	قایقران	Firefighter/fireman	آتش نشان
Fisherman	ماهیگیر	Judge	قاضی
Street sweeper	رفتگر	Lawyer	وکیل
Minister	وزیر	Worker	کارگر
Pilot	خلبان	Mayor	شهردار
Copilot	کمک خلبان	Miner	معدنچی
Barber	آرایشگر مرد	Nurse	پرستار
Clergy man	روحانی	Officer	افسر
Specialist	متخصص	Photographer	عکاس
Footballer	فوتبالیست	Plumber	لوله کش
Butcher	قصاب	Player	بازیگر
Watchman	ساعت ساز	Porter	باربر
Grocer	بقال	President	رئیس جمهور
Operator	تلفنچی	Leader	رهبر
Merchant	تاجر	Prime minister	نخست وزیر
Optician/Optometrlist	چشم پزشک / عینکساز	Psychologist	روانشناس
Calligrapher	خطاط	Reporter	گزارشگر
Forester	جنگلبان	Retired	بازنشسته
Teacher	معلم	Sculptor	مجسمه ساز
Engineer	مهندس	Sergeant	گروهبان
Driver	راننده	Surgeon	جراح
Singer	خواننده	Shopkeeper	مغازه دار
Speaker	سخنران	Soldier	سرباز
Welder	جوشکار	potter	سفالگر
Jerry builder	ب ساز بفروش	Tourist	جهانگرد
Mason	بنا	Architect	معمار
stockbroker	دلال	Florist	گل فروش
Babysitter	پرستار بچه	Composer	آهنگ ساز
Ecologist	محیط شناس	Translator	مترجم
Pharmacist	داروفروش	Journalist	روزنامه نگار
Sheriff	کلانتر	Postman	پستیچی



Hunter	شکارچی	Shoemaker	کفاش
Accountant	حسابدار	Construction worker	کارگر ساختمان
News announcer	گوینده خبر	Announcer	گوینده
Poet	شاعر	Director	کارگردان
Servant	پیشخدمت	Conductor	رهبر ارکستر
Captain	نا خدا	Army	نظامی
Dress maker	خیاط زنانه	Governor	فرماندار
Tailor	خیاط مردانه	Student	دانش آموز
Shepherd/Rancher	چوپان	Repairman	تعمیرکار
flight attendant	مهماندار هواپیما	Economist	اقتصاد دان
Researcher	پژوهشگر	scientist	دانشمند
Actress	هنر پیشه زن	Truck driver	رانده کامیون
Actor	هنر پیشه مرد	Decorator	آذین گر
Editor	ویراستار، سر دبیر	Referee	داور
Veterinarian	دامپزشک	Chef	سرآشپز
Musician	موسیقیدان	Surveyor	نقشه بردار
Merchant	بازرگان	Sailor	ملوان
		Spy	جاسوس



اسامی حیوانات به زبان انگلیسی:

Animal	Meaning	Animal	Meaning
Fox	روباه	bull	گاو نر
Bear	خرس	cow	گاو ماده
polar bear	خرس قطبی	calf	گوساله
koala bear	کوالا	horse	اسب
Panda	خرس پاندا	mule	قاطر
Wolf	گرگ	pony	اسب کوتاه
Tiger	ببر	donkey	الاغ
Lion	شیر	sheep	گوسفند
Leopard	پلنگ	lamb	بره
Hyena	کفتار	goat	بز
Elephant	فیل	kid	بزغاله
Zebra	گورخر	pig	خوک، گراز
giraffe	زرافه	sow	ماده خوک بالغ
buffalo	بوفالو	piglet	بچه خوک
camel	شتر	cat	گربه
raccoon	راکون	dog	سگ
skunk	راسو	mouse	موش
beaver	سگ آبی	bat	خفاش
boar	گراز نر	squirrel	سنجاب
possum	صارغ	chipmunk	سنجاب راه راه
kangaroo	کانگورو	rabbit	خرگوش
porcupine	جوجه تیغی	moose	گوزن شمالی
mole	موش کور	buck	گوزن نر، خرگوش نر
armadillo	گورکن	doe	گوزن ماده، خرگوش ماده
anteater	مورچه خوار	fawn	آهو بره
gorilla	گوریل	ram	قوچ، گوسفند نر
hippo	اسب آبی	monkey	میمون
muskrat	موش آبی	jack	الاغ نر اخته نشده
ram	گوسفند نر	buffalo	گاومیش
ewe	گوسفند ماده	alligator	تمساح



snake	مار	crocodile	سوسمار
ass	خر	puppy	سگ توله
owl	جغد	tortoise	لاک پشت
scorpion	عقرب	mold	کپک
rutile	رتیل	toad	وزغ
ostrich	شتر مرغ	crab	خرچنگ
whale	وال	quail	بلدرچین
dolphin	دلفین	shark	کوسه



اسامی رنگ ها به زبان انگلیسی:

Color	Meaning	Color	Meaning
Red	قرمز	Pink	صورتی
Crimson	زرشکی	Orange	نارنجی
Yellow	زرد	Olive	زیتونی
Light Yellow	شیری	Aqua	فیروزه‌ای
Gold	طلایی	Blue	آبی
Green	سبز	Dodger Blue	نیلی
Green Yellow	مغزپسته‌ای	Dark Blue	سرمه‌ای
Yellow Green	سبز لجنی	Navy	لاجوردی
White	سفید	Purple	بنفش
Ivory	استخوانی	Bisque	کرم
Silver	نقره‌ای	Brown	قهوه‌ای
Gray	خاکستری	Black	سیاه



اسامی اعضای بدن به زبان انگلیسی:

Body limbs	Meaning	Body limbs	Meaning
artery	سرخرگ	skull	جمجمه
skin	پوست	brain	مغز
pupil	مردمک چشم	eardrum	پرده گوش
finger	انگشت	nostril	سوراخ بینی
nail	ناخن	skeleton	اسکلت
mustache	سبیل	bone	استخوان
beard	ریش	muscle	ماهیچه
eyebrow	ابرو	hand	دست
brow	پیشانی	arm	بازو
eyelid	پلک	elbow	آرنج
eyelash	مژه	throat	گلو
lip	لب	palm	کف دست
toe	پنجه	chest	سینه
thumb	انگشت شست	heart	قلب
shoulder	شانه	appendix	آپاندیس
back	کمر	kidney	کلیه
hip	مفصل ران	liver	کبد
pelvis	لگن	cheek	گونه
stomach	شکم	leg	ران
knee	زانو	stalk	ساق
cartilage	غضروف	sole	کف پا
joint	مفصل	heel	پاشنه



ضرب المثل های انگلیسی (English proverbs)

A poor workman blames his tools.

ترجمه: کارگر بی مهارت، ابزار کارش را مقصر می داند.
معادل فارسی: عروس نمی توانست بر قصد، می گفت زمین کج است.

A bird in the hand is worth two in the bush.

ترجمه: یک پرنده در دست، بهتر از دو تا روی درخت است.
معادل فارسی: سیلی نقد به از حلوی نسیه

Absence makes the heart grow fonder

ترجمه: دوری باعث علاقه مندی می شود.
معادل فارسی: دوری و دوستی

A cat may look at a king.

ترجمه: شاید که گربه به شاهی نظر کند.
معادل فارسی: به اسب شاه گفته یابو

A coward dies a thousand times before his death. The valiant never taste of death but once.

ترجمه: ترسو هزار بار پیش از مرگ می میرد. آدم نترس فقط یکبار مزه مرگ را می چشد.
معادل فارسی: ترس برادر مرگ است

A creaking door hangs longest and A creaking gate hangs long.

ترجمه: دری که غژغژ می کند عمرش بیشتر است.
معادل فارسی: اجل برگشته می میرد نه بیمار سخت.

Actions speak louder than words

ترجمه: صدای عمل رساتر از حرف است.
معادل فارسی: دو صد گفته چون نیم کردار نیست.



A fool and his money are easily parted.

ترجمه: احمق و پولش به راحتی از هم جدا شدنی هستند.
معادل فارسی: تا ابله در جهان، مفلس در نمی ماند.

A fox smells its own lair first and A fox smells its own stink first.

ترجمه: روباه بوی گندش را زودتر از دیگران استشمام می کند.
معادل فارسی: چوب را که بلند کنی، گربه دزده فرار می کند.

A friend in need is a friend indeed.

ترجمه: به هنگام نیاز، دوست واقعی شناخته می شود
معادل فارسی: دوست آن باشد که گیرد دست دوست / در پریشان حالی و درماندگی

A good man in an evil society seems the greatest villain of all.

ترجمه: انسان نیک در جمع اشرار، شریرترین آن ها به نظر می رسد.
معادل فارسی: با بدان منشین که گرچه خوبی بد شوی / خورشید بدین بزرگی را پاره ای ابر تیره کند.

A jack of all trades is master of none.

ترجمه: کسی که همه کار انجام می دهد استاد هیچ کاری نیست.
معادل فارسی: همه کاره و هیچ کاره

A miss by an inch is a miss by a mile.

ترجمه: لغزش در عمل چه یک اینچ، چه یک مایل.
معادل فارسی: آب که از سر گذشت چه یک وجب، چه صد وجب.

A penny saved is a penny earned.

ترجمه: هر پول سیاهی که پس انداز شود، سودی است که کسب شده است.
معادل فارسی: قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود.



A picture is worth a thousand words.

ترجمه: تصویر از هزاران جمله گویاتر است.
معادل فارسی: شنیدن کی بود مانند دیدن

All cats love fish but hate to get their paws wet.

ترجمه: هر گربه‌ای ماهی را دوست دارد اما از اینکه پنجولش خیس شود بیزار است.
معادل فارسی: نابرده رنج، گنج میسر نمی‌شود / مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد

All roads lead to Rome.

ترجمه: همه راه‌ها به رم راه برند
معادل فارسی: هر جا بری آسمون همین رنگه

All that glitters is not gold.

ترجمه: هر چه می‌درخشد طلا نیست
معادل فارسی: هر گردی گردو نیست

All things come to he who waits.

ترجمه: هر که صبر کند به همه چیز می‌رسد.
معادل فارسی: گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی

As you make your bed, so you must lie in it.

ترجمه: رختخوابت را که پهن کردی باید در آن هم بخوابی
معادل فارسی: آش کشک خالته، بخوری پاته نخوری پاته

A word to the wise is enough.

ترجمه: کلمه‌ای به دانا کفایت کند.
معادل فارسی: در خانه اگر کس است یک حرف بس است



A word spoken is past recalling.

ترجمه: جمله‌ای که گفته شد قابل بازگشت نیست.
معادل فارسی: تیری که رها شد به چله باز نگردهد.

* * *

Be careful what you wish for, you might just get it.

ترجمه: چیزی را که برای دیگران آرزو می‌کنی، ممکن است نصیب خودت شود.
معادل فارسی: هرچه برای خود می‌پسندی، برای دیگران بپسند.

* * *

Beauty is in the eye of the beholder.

ترجمه: زیبایی در چشم بیننده است.
معادل فارسی: علف به دهن بزی شیرین است.

* * *

Better to be thought a fool, than to open your mouth and remove all doubt.

ترجمه: اگر به نظر ابله آیی، بهتر از آن است که دهانت را باز کنی و بلاهت ثابت شود.
معادل فارسی: پسته ی بی مغز چون لب وا کند رسوا شود.

* * *

Better safe than sorry.

ترجمه: ایمنی بهتر از تأسف است.
معادل فارسی: چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

* * *

Birds of a feather flock together.

ترجمه: پرندگان همجنس با هم پرواز می‌کنند.
معادل فارسی: کبوتر با کبوتر، باز با باز / کند همجنس با همجنس پرواز

* * *

Blood will out.

ترجمه: خون فوران خواهد کرد.
معادل فارسی: خون به ناحق ریخته پایمال نمی‌شود.

* * *



Clothes make the man.

ترجمه: احترام مرد به لباس است.
معادل فارسی: آستین نو پلو بخور!

Cowards die many times, but a brave man only dies once.

ترجمه: آدم ترسو چندین بار می‌میرد، اما آدم شجاع فقط یکبار.
معادل فارسی: ترس برادر مرگ است.

Cross the stream where it is the shallowest.

ترجمه: از کم عمق ترین محل رودخانه گذر کن!
معادل فارسی: بی گذار به آب نزن!

Cut your coat according to your cloth.

ترجمه: جامه خود را به اندازه پارچهات بدوز!
معادل فارسی: پا را به اندازه گلیم خود دراز کن!

Don't spit into the wind.

ترجمه: باد که می وزد تف نکن
معادل فارسی: مثل تف سربالا می مونه

Don't cry over spilt milk.

ترجمه: برای شیر ریخته شده گریه نکن.
معادل فارسی: حسرت روغن ریخته را مخور.

Half a loaf is better than none.

ترجمه: نصف نان بهتر از هیچی.
معادل فارسی: کاجی به از هیچی



Laughter is the best medicine.

ترجمه: خنده بهترین دارو است.
معادل فارسی: خنده بر هر درد بی درمان دواست.

Talk of the devil and the devil appears.

ترجمه: حرف شیطان را بزن او ظاهر میشود.
معادل فارسی: موش رو آتیش بزنی ظاهر میشه

You can't have it both ways.

You can't have your cake and eat it too.

ترجمه: نمیتونی دوتاش رو بخوای. نمیتونی هم کیکت رو بخوری هم نگهش داری.
معادل فارسی: هم خر و میخوای هم خرما؟

You can't judge a book by its cover.

ترجمه: از روی جلد کتاب نمیشه درباره اون قضاوت کرد.
معادل فارسی: نمیشه از روی ظاهر آدم ها قضاوت کرد.
